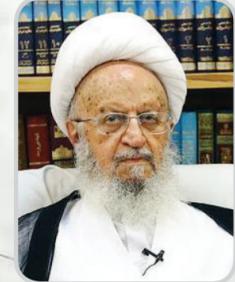


گزارشی کامل از حضور و خدمت‌رسانی حوزویان در سیل اخیر کشور

از حضور ۱۲ هزار طلبه

در مناطق سیل‌زده تا کمک ۱/۸ میلیاردی

افروز



مراجع عظام تقلید و علما به مناسبت یک‌هزار و چهارصدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی (ع) تصریح کردند

امام علی (ع) الگویی برای همه بشریت

ویژه‌نامه خورشید عدالت

فراخوان کنگره سراسری شعر «حضرت ابوطالب علیه السلام»

به همت مجمع جهانی اهل بیت(ع) و حمایت نهادهای همسو، با هدف تکریم شخصیت مؤمن قریش، حامی پیامبر اعظم(ص) و پدر امیرالمؤمنین(ع) و نیز اعتلای فرهنگ و هنر اسلامی، شیعی و ایرانی، و معرفی و حمایت از استعدادهاى ناب ادبی و شعری این بزرگوار، «کنگره سراسری شعر حضرت ابوطالب(ع)» برگزار می‌شود. این کنگره شعر، از برنامه‌های جانبی «همایش بین‌المللی حضرت ابوطالب(ع)؛ حامی پیامبر اعظم(ص)» است.



بخش‌های جشنواره:
۱. بخش اشعار عربی
۲. بخش اشعار فارسی

موضوع جشنواره:
- ابعاد زندگی حضرت ابوطالب عبد مناف بن عبدالمطلب(ع)
- ابوطالب؛ حامی پیامبر(ص)
- ابوطالب؛ پدر امیرالمؤمنین(ع)
- شعر و ادب حضرت ابوطالب(ع)
- استقبال از «لامیه» ابوطالب(ع) - در هر دو بخش عربی و فارسی

مقررات:
۱. هر شاعر می‌تواند حداکثر ۵ اثر در هر بخش، به کنگره ارسال نماید.
۲. آثار باید تایپ شده، به همراه فرم شرکت، تصویر کارت ملی (برای شرکت کنندگان ایرانی) یا تصویر صفحه اول پاسپورت (برای شرکت کنندگان غیر ایرانی)، در قالب «فایل پیوست» به سایت کنگره ارسال شود.
۳. دبیرخانه، ارسال کننده فرم را صاحب اثر می‌شناسد و در صورت اثبات خلاف آن، اثر مربوطه را از مسابقه حذف می‌نماید.
۴. به همه شرکت کنندگان، گواهی شرکت در کنگره اعطاء خواهد شد.
۵. اشعار برگزیده در کتاب شعر «همایش بین‌المللی حضرت ابوطالب(ع)» منتشر و از نفقات برتر با جوائز نفیسی قدردانی خواهد شد.
۶. حق استفاده از آثار شرکت‌کننده، به هر نحو، برای دبیرخانه کنگره محفوظ است.
۷. ارسال اثر، به منزله پذیرش مقررات مسابقه است.

ارسال آثار:
۱. مهلت ارسال: حداکثر مهلت برای وصول آثار به دبیرخانه کنگره ۳۱ شهریور ۱۳۹۸ - ۲۲ سپتامبر ۲۰۱۹ - است.
۲. نحوه ارسال: شرکت کنندگان باید از طریق الکترونیک، فرم و آثار خود را ارسال نمایند. برای ارسال فرم و آثار، از ایمیل جشنواره (icfoaqd@gmail.com) یا از صفحه زیر استفاده نمایید:
<http://islamicartz.com/festivals>

تماس یا جشنواره:
* دبیرخانه بخش اشعار عربی:
قم، پلوار صدوقی، مدرسه علمیه شهید صدوقی، مرکز زبان حوزه‌های علمیه
تلفن: ۰۲۵ - ۳۲۹۴۰۱۱۸
* دبیرخانه بخش اشعار فارسی:
تهران، تقاطع بزرگراه امام علی(ع) و شهید محلاتی، مسجد جامع قاسم بن الحسن(ع)
تلفن: ۰۹۱۲۲۹۶۵۷۵۰
* پست الکترونیک: icfoaqd@gmail.com



سرمقاله

تمدن‌ساز را عملی کنیم، چگونه در غایت هنر، سخن و قلم باشیم و هم‌جوش پایین‌ترین طبقات اجتماعی، او به ما می‌آموزد که اعتماد به بزرگی و جلال خدا هر دشمنی را در چشم‌ت کوچک و ضعیف می‌کند و در یک کلام او به ما هنر زیستن را می‌آموزد.

زندگی علوی نمی‌تواند با معیارهای علوی نباشد، قلم و هنر علی (ع)، مانند حضرتش حر بود. قلمش هرگز نترسید، در کشاکش ایام نلغزید، دروغ نگفت، غلو نکرد، از تجلیل ولی زمانه‌اش کم نگذاشت و در تکریم انسان کوتاه نیامد. قلم علی (ع) در دفاع از حق و تاختن بر باطل همیشه مهیا بود. هنرش نیز این‌گونه بود. اگر علی (ع) را فارغ از هر ویژگی دیگر به‌عنوان یک هنرمند تحلیل کنیم آن‌گاه خواهیم دید که هنرش ابزاری برای شهرت نبود، جز خوبی‌ها را به تصویر نکشید، عیوب دیگران را بزرگ نکرد، برای مردمش همیشه پیام‌هایی پر از امیدواری داشت، هنرش برای مردم بود و همه انسان‌ها را مخاطب قرار می‌داد، او با چیره‌دستی هنرش را ابزاری برای آشتی و الفت انسان با خدای مهربانش قرار داده بود.

حال که به برکت ایام و لیالی مبارک شهرالله الکربیم، مجال در خود نگریستن یافته‌ایم، بر صاحبان اندیشه و قلم، اصحاب فرهنگ و هنر است که ضمن بهره‌مندی از خوان کریمانه علی (ع) اگر صراط مستقیم علی (ع) را که نسخه نجات‌بخش بشریت در دنیای سراسر ظلم و با وجود دولت‌های ظالم است، در قلم و هنرمان بیابیم و آن را با فهم و نگاه بین‌المللی و به زبان‌های پر مخاطب بنمایانیم، شاید بتوانیم بستری برای هدایت انسان‌ها و مایه امید برای آزادی‌خواهان جهان فراهم نموده و قدمی کوچک در زدودن بی‌پناهی، از بی‌معنویی و از تحقیر و توهین عادی شده به کرامت انسان رنج می‌برد.

علی (ع)، به ما می‌آموزد که چگونه مجاهد میدان جنگ باشیم و پناه ایتم، چگونه مرد تدبیر حکومت باشیم و هم‌بازی کودکان، چگونه در رزم اقتصادی زبردست باشیم و در بهره‌برداری اقتصادی ساده‌زیست، چگونه با انسان پیرامون زندگی کنیم و آرمان‌های



امام علی (ع) مرد همیشه مظلوم تاریخ

فاتح خبیر نیست، او فاتح قلوب آزادگان تاریخ است که مادر بازنمایی چهره‌اش ناتوان بوده‌ایم. امروز که آثار قلم و هنر پیش از هر زمانه دیگری رخ می‌نماید، بر ما است که امام علی (ع) را آن‌گونه که هست بشناسیم و آن‌گونه که باید معرفی کنیم. علی (ع) نه تنها نسخه، که تنها داروی نجات بشر معاصر است. انسان امروز در شرق و غرب عالم از فقدان عدالت، از بی‌معنایی زندگی، از بی‌پناهی، از بی‌معنویی و از تحقیر و توهین عادی شده به کرامت انسان رنج می‌برد. علی (ع)، به ما می‌آموزد که چگونه مجاهد میدان جنگ باشیم و پناه ایتم، چگونه مرد تدبیر حکومت باشیم و هم‌بازی کودکان، چگونه در رزم اقتصادی زبردست باشیم و در بهره‌برداری اقتصادی ساده‌زیست، چگونه با انسان پیرامون زندگی کنیم و آرمان‌های

امیرالمؤمنین (ع): اَدْفُوا أَقْلَامَكُمْ وَ قَارُوا بَيْنَ سَطُورِكُمْ وَ اخذُوا عَنِّي فُصُولَكُمْ وَ اقْبِدُوا قَصْدَ الْمَعَانِي وَ إِتَاكُمْ وَ الْإِكْتِافَ فَإِنَّ أَمْوَالَ الْمُسْلِمِينَ لَا تَحْتَمِلُ الْإِضْرَارَ؛ نوك قلم‌ها را تیز کنید و سطور را به هم نزدیک سازید و مطالب اضافی را در نامه‌هایی که برای من می‌نویسید حذف کنید و مقصودتان بیان معانی باشد و از پرگویی پرهیزید، زیرا اموال مسلمانان تاب تحمل این ضررها را ندارد.^(۱) امیرالمؤمنین علی (ع)، مرد همیشه مظلوم تاریخ است. او فقط به‌خاطر مصائبی که بر حضرتش و خاندان مطهرش وارد شد، مظلوم نیست. او مظلوم است چون تاریخ‌سازی است که تاریخ به درستی فهمش نکرده؛ او مظلوم است چون هنوز پس از قرن‌ها ما علی (ع)، را فقط به‌عنوان مرد دلیر میدان جنگ معرفی می‌کنیم. ولی از این‌که علی مرد زبردست حق زیستن است غافلیم. او فقط

پینوشته: ۱. الخصال ج ۱/ص ۳۱۰ محمدرضا برته

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای یکم خرداد در دیدار هزاران نفر از دانشجویان و نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، نکات مهمی درباره مسایل مطرح شده دانشجویان و نیز موضوع راهبردی «چگونگی ورود جوانان به میدان و شتاب یافتن حرکت عمومی کشور برای تحقق چشم‌انداز روشن انقلاب اسلامی» بیان کردند.

به گزارش پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، رهبر انقلاب اسلامی در ابتدای سخنان خود دانشجویان و جوانان را به بهره‌گیری از فرصت کم‌نظیرماه مبارک رمضان برای تقویت رابطه با خداوند متعال توصیه کردند و گفتند: این فرصت مغتنم انس با قرآن و نماز و دعا را به یک عادت نیکو و ماندگار تبدیل کنید.

رهبر انقلاب اسلامی سپس با اشاره به چند مورد از مطالب دانشجویان و در پاسخ به سؤالی مبنی براین‌که «آیا اشکالات و کمبودهای کنونی ناشی از اشکال ساختار است یا ضعف کارگزاران» گفتند: ساختار قانون اساسی ساختار خوبی است و اشکالی ندارد، البته در همه کشورها از جمله در کشور ما ساختارها در طول زمان تکمیل و نواقص و خلأهای آن‌ها برطرف می‌شود، اما کارگزاران، اشکال‌ها، کوتاهی‌ها، ناتوانی‌ها و سلاقی گوناگونی دارند که نتیجه آن این کمبودها می‌شود. البته اشتباه‌های ما مسئولان مانند اشخاص عادی نیست و شکاف‌های بزرگی در متن جامعه ایجاد می‌کند.

«اقدام برخی‌ها در نسبت دادن تصویب برجام به رهبری» سؤال یکی از دانشجویان بود که رهبر انقلاب اسلامی درباره آن گفتند: شما البته چشم و هوش دارید و همه چیز را می‌فهمید. در آن نامه‌ای که درباره برجام به مسئولان نوشته‌م مشخص است که تصویب باید چگونه باشد. در آن نامه شرایطی ذکر شده که در آن صورت، تصویب می‌شود. ایشان افزودند: البته اگر آن شرایط و خصوصیات اجرا و اعمال نشند، وظیفه رهبری این نیست که وسط بیاید و بگوید برجام نباید اجرا شود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای گفتند: این بحث که وظیفه رهبری در این‌گونه مواقع اجرایی چیست، مقوله‌ای است، اما معتقدم در زمینه‌های اجرایی نباید رهبری وارد میدان شود و کاری را اجرا کند یا جلوی آن را بگیرد، مگر در مواردی که به حرکت کلی انقلاب ارتباط پیدا می‌کند که در آن‌جا وارد می‌شوم. ایشان خاطرنشان کردند: من به برجام به آن صورتی که عمل و معقوف شد، خیلی اعتقادی نداشتم و بارها نیز این مطلب را به خود مسئولان این کار از جمله آقای رئیس‌جمهور و وزیر محترم امور خارجه گفتیم و موارد زیادی را به آن‌ها تذکر دادم.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تمجید از برخی اقدامات و فعالیت‌های مجموعه‌های دانشجویی در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، به‌خصوص در یک‌سال گذشته، مجموعه‌های دانشجویی را به رعایت متانت و عقلانیت، در کنار نشان دادن اقتدار روحی و معنوی توصیه مؤکد کردند و گفتند: در اجتماعات و مطالبه‌گری‌ها، سخن منطقی تأثیرگذار خواهد بود و من ضمن تأیید این‌گونه حرکت‌ها بر استمرار آن‌ها تأکید دارم. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در مقدمه بحث اصلی خود با اشاره به بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی افزودند: این بیانیه یک ترسیم کلی از گذشته، حال و آینده انقلاب اسلامی است که در آن چهار نقطه اصلی و کلیدی وجود دارد: ۱. عظمت وقیع و ماندگاری انقلاب اسلامی ۲. عظمت چشم‌اندازی کارکرد انقلاب اسلامی تا به امروز ۳. عظمت چشم‌اندازی که انقلاب اسلامی باید به آن برسد و ۴. عظمت نقش نیروی جوان متعهد در مسیر پیش رو.

رهبر انقلاب اسلامی با تأکید بر این‌که انقلاب در چهل سال گذشته در عرصه‌های گوناگون بشری و ملی از جمله سیاسی، اجتماعی، علمی، عدالت و آزادی، کارکرد برجسته و متمایز داشته است، خاطرنشان کردند: اکنون ما نیازمند یک حرکت عمومی منضبط، پرسرعت و همراه با پیشرفت محسوس و با محوریت جوان متعهد و حزب‌اللهی، به سمت چشم‌انداز و اهداف بلند انقلاب اسلامی هستیم تا حضور تأثیرگذار جوانان در نظام مدیریتی کشور تحول به‌وجود آورد.

رهبر انقلاب اسلامی پس از تشریح چهار نقطه اصلی بیانیه گام دوم و تبیین اهمیت فوق‌العاده ایجاد یک

امام خامنه‌ای در دیدار هزاران نفر از دانشجویان

الزامات و راه‌های ورود نسل جوان

حزب‌اللهی به مدیریت کشور

جهت‌شتاب و رونق

حرکت عمومی کشور



بر عهده جریان‌ها و حلقه‌های میانی از جمله تشکل‌های دانشجویی است که غالباً مجموعه‌های جوان، خوش‌فکر و فعال هستند و می‌توانند نقش و شأن محور بودن حرکت عمومی جامعه را بر عهده بگیرند.

ایشان در بیان نمونه‌هایی عینی برای ورود و محوریت یافتن جوانان، به تشکیل کارگروه‌های فرهنگی در سراسر کشور از جمله در مساجد اشاره کردند و افزودند: تعبیر آتش به اختیاری که قبلاً بیان شد، مربوط به این‌گونه مجموعه‌ها است.

رهبر انقلاب با اشاره به تأثیرگذاری عمیق گروه‌های فرهنگی از اول انقلاب تاکنون خاطرنشان کردند: هر جا گروهی جوان با ذهن فعال و پویا شکل بگیرد، می‌تواند با تأثیرگذاری در محیط اطراف و دیگر مجموعه‌ها در «عزم و حرکت و بینایی و پیشرفت حرکت عمومی ملت» مؤثر باشد.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «تشکیل گروه‌های سیاسی» را از دیگر روش‌های ورود و حضور مؤثر جوانان در عرصه حرکت عمومی کشور دانستند و خاطرنشان کردند: «حزب بازی» بی‌برکت است اما تشکیل گروه‌های فعال سیاسی با هدف فهم کردن و تحلیل موضوع‌ها و حوادث سیاسی و انتقال این تحلیل به دیگران، می‌تواند تأثیری بسیار اساسی داشته باشد.

تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی در دانشگاه‌ها، راهکار دیگر رهبر انقلاب برای حضور مؤثر جوانان در صحنه بود.

ایشان با ابراز ناخرسندی از کندی این حرکت تأکید کردند: جوانان منتظر حرکت رئیس دانشگاه یا مسئولان دیگر نباشند، خودشان با مطالعه خوب و با حضور افراد دارای ذهن فعال و زبان گویا این میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی را شکل دهند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای خاطرنشان کردند: در حال حاضر درصد زیادی از دانشجویان در تشکل‌ها فعال نیستند، اما اگر این‌گونه فعالیت‌ها انجام شود، درصد بیشتری از دانشجویان به تشکل‌ها و فعالیت‌های دانشجویی راغب می‌شوند.

تشکیل گروه‌های نهضتی در داخل دانشگاه‌ها و نیز «دعوت از دانشجویان کشورهای محور مقاومت برای بحث درباره مسایل بین‌المللی و مسایل مهم جهان اسلام» پیشنهاد دیگر رهبر انقلاب به دانشجویان برای حضور و هدایت حرکت عمومی ملت در مسیر تحقق افق روشن کشور بود.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای «تشکیل گروه‌های علمی و

در ابتدای این دیدار ۱۱ نفر از نمایندگان تشکل‌های دانشجویی، به مدت دو ساعت دیدگاه‌ها و دغدغه‌های جامعه دانشجویی را بیان کردند. مهم‌ترین

محورهای این سخنان به این شرح است:

- انتقاد از استفاده نکردن مسئولان از ظرفیت‌های داخلی
- لزوم اصلاح نظام انتخاباتی با هدف تقویت احساس مشارکت مردم و جلوگیری از آسیب‌هایی هم‌چون هزینه‌های هنگفت در انتخابات
- انتقاد از اشرافی‌گری و نمایش تجمل آفازاده‌ها
- ضرورت بازتعریف هویت اجتماعی زنان و دختران انقلابی و برنامه‌ریزی برای استفاده از ظرفیت‌های اجتماعی آنان
- انتقاد از تبعیض میان دو نهاد آموزش عالی و آموزش و پرورش
- لزوم حمایت از جریان‌های انقلابی در دانشگاه‌ها
- انتقاد از اجرای پنهانی سند ۲۰۳۰ در برخی مدارس
- اهمیت توجه به پژوهش و استفاده از جوانان مستعد در این حوزه
- انتقاد از برگزار نشدن جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی
- استفاده از ظرفیت جوانان برای تغییر سبک زندگی سلامت‌محور
- انتقاد از حضور نیافتن مسئولان در دانشگاه‌ها
- لزوم نگاه مسئله‌محور در دانشگاه و شناسایی معضلات همه قشرها و تلاش برای حل آن‌ها
- انتقاد از کم‌توجهی مسئولان دانشگاه‌ها به تخصیص بودجه برای فعالیت‌های فرهنگی
- لزوم ترسیم نقشه جامع پژوهشی به‌منظور شناسایی مشکلات ساختاری
- قوه قضاییه
- تأکید بر شفافیت قضایی و علنی بودن دادرسی‌ها به‌منظور جلوگیری از فساد

● مطالبه توجه به شهریه سنگین، شفافیت و نظارت همه‌جانبه و به‌کارگیری مدیران مؤمن و انقلابی در دانشگاه آزاد

● تأکید بر تدبیر مسئولان برای حل مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم

● انتقاد از نحوه خصوصی‌سازی که منجر به لطمه به تولید ملی، نابرابری و

تعمیق شکاف اقتصادی شده است

● لزوم اصلاح سازوکارهای دیپلماسی فرهنگی و انتقاد از رویکرد محافظه‌کارانه

در این حوزه

● انتقاد از رویکرد منفعلانه در سیاست خارجی که منجر به ارائه تصویری

غیرواقعی از نظام شده است

● نفی پیشنهاد انفعالی مذاکره با آمریکا از زبان برخی افراد مرعوب و سیاست‌زده

● انتقاد از برخورد نامناسب با مطالبات معلمان، کارگران و پرستاران

● تقبیح رشد آسانسوری برخی آفازاده‌ها و جوانان فرصت طلب و وابسته

احزاب و باندها به بهانه جوان‌گرایی

● انتقاد از عدم شفافیت در بررسی عملکردها و لزوم پاسخ‌گویی مسئولان

ارشاد بیت رهبری

● تأکید بر پرهیز از شرطی کردن جامعه در برابر تصمیم‌های آمریکا

● انتقاد از برخورد با نشریات دانشجویی و دادگاهی کردن و تقابل سلیقه‌ای

با آن‌ها

● انتقاد از عملکرد وزارت نفت در تحریم و وابستگی بودجه به‌نفت و خام‌فروشی

● انتقاد از کاهش ارزش پول ملی و کاهش قدرت خرید مردم و نیز قرار دادن

میلیاردها دلار از دولتی در اختیار عده‌ای خاص

● انتقاد از مسئولیت‌ناپذیری و فرافاکنی گروه‌های سیاسی

● انتقاد از فرصت‌سوزی و معطل کردن مناسبات سیاسی به برجام

آیت‌الله حسینی بوشهری در هشداری به جنگ‌افروزان

● اگر در منطقه اتفاقی بیفتد

اول کسانی ضرر می‌کنند

که افسارشان دست آمریکاست

نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: کشورهایی را بدبخت می‌دانم که افسار خود را به دست آمریکا داده و این کشور را فرشته نجات می‌دانند، در حالی‌که نمی‌دانند اگر حادثه‌ای پیش آید نخستین کسانی که متضرر می‌شوند همین کشورها هستند که می‌خواهند پای دشمن را به منطقه باز کنند.



به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله حسینی بوشهری، ۳۱ اردیبهشت در دیدار فرمانده و اعضای شورای فرماندهی تیپ مستقل ۸۳ امام جعفر صادق ^{علیه السلام} که در جامعه مدرسین برگزار شد، با اشاره به آیه «الذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا» عنوان کرد: در این آیه شریفه واژه جهاد به کار رفته و زمانی که اهل سخن جهاد را معنا می‌کنند، تنها به رویارویی با دشمن بسنده نمی‌کنند.

دبیر شورای عالی حوزه‌های علمیه ضمن تأکید بر اخلاص در همه کارها، تأکید کرد: مراکز و مؤسسات بسیار بزرگ با بودجه‌های هنگفت کار فرهنگی انجام می‌دهند، اما هیچ‌کدام از این اقدامات در راه خدا نبوده و اگر کار فرهنگی و جهاد منهای لحاظ جنبه دینی و اخلاص، راه‌گشا نیست.

نایب رئیس جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ابراز کرد: کسانی که جرقه انقلاب را زدند، آثار و برکاتی که نصیبشان می‌شود تا دامنه تاریخ جاری و ساری خواهد بود، امام خمینی ^{علیه السلام} پایه‌گذار حرکتی انقلابی بود و این حرکت در تاریخ ثبت شده و هر کسی که نام انقلاب را بشنود، نام امام را احل را نیز خواهد شنید.

آیت‌الله حسینی بوشهری به خدمات تیپ ۸۳ امام صادق ^{علیه السلام} در دوران جنگ و اکنون نیز اشاره کرد و گفت: بنده از خاطر نمی‌رود که مجموعه تیپ ۸۳ رزمی تبلیغی امام صادق ^{علیه السلام} در روزهای دفاع مقدس به جبهه‌ها آمدند و طلاب با حضور خود در کنار برداران سپاهی نشان دادند که روحانیت صرفاً اهل حرف نبوده و برداران سپاهی ما در روزهای جنگ تحمیلی می‌گفتند که این طلبه‌ها عامل روحیه بخشی به رزمندگان هستند.

امام جمعه قم یادآور شد: وظیفه ما این است که مبارزه با نفس و خودسازی و هم‌چنین جهاد فرهنگی را به‌طور جدی دنبال کنیم، دشمنان ما عریه‌دکشی و لشکرکشی می‌کنند، اما خودشان هم می‌دانند که نمی‌توانند در مقابل ملت ایران قرار گیرند. در روزهای جنگ تحمیلی همه کشورهای دنیا در کنار عراق و مقابل ایران بودند، آن روز چه کردند که امروز چه خواهند بکنند.

آیت‌الله حسینی بوشهری گفت: ما می‌بینیم که دشمنان در هر روز مسئله‌ای را علیه جمهوری اسلامی ایران مطرح می‌کنند و سریعاً عقب‌نشینی می‌کنند و همه این‌ها را مدیون ملت، نیروهای نظامی و در رأس آن‌ها رهبری عزیز هستیم. وی بیان کرد: کشورهایی را بدبخت می‌دانم که افسار خود را به‌دست آمریکا داده و این کشور را فرشته نجات می‌دانند، در حالی‌که نمی‌دانند اگر حادثه‌ای پیش آید نخستین کسانی که متضرر می‌شوند همین کشورها هستند که می‌خواهند پای دشمن را به منطقه باز کنند.

معاون تهذیب حوزه‌های علمیه کشور

● لزوم وزن‌دهی بیشتر به تست‌های

مشاوره در کیفی گزینی حوزه‌های علمیه



حجت‌الاسلام والمسلمین ملکی با تأکید بر ضرورت انجام تست‌های علمی و روان‌شناسی در جذب طلاب جدید، گفت: پذیرش کیفی داوطلبان ورود به حوزه در دستور کار است.

به گزارش خبرگزاری حوزه در همدان، حجت‌الاسلام والمسلمین ملکی، یکم خرداد در جمع مدیران مدارس استان همدان با تأکید بر لزوم توجه به مصاحبه‌های داوطلبان ورود به حوزه علمیه، گفت: در روند انتخاب افراد برای ورود به حوزه‌های علمیه، یکی از بهترین راه‌ها انتخاب از طریق مصاحبه‌های حضوری است.

معاون تهذیب حوزه علمیه کشور با تأکید بر ضرورت پذیرش کیفی داوطلبان ورود به حوزه، افزود: اگر ملاک تنها نمره باشد، نمی‌توانیم افراد را به درستی انتخاب کنیم، اما در مصاحبه بهتر می‌توانیم افرادی که توانایی بالایی دارند را کشف کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین ملکی، حضور مشاوران ارشد را در مصاحبه‌ها ضروری خواند و گفت: اگر مشاوره به‌درستی انجام شود و تست‌های موردنیاز گرفته شود و در پایان نظری که توسط مشاور و مصاحبه‌گر جمع‌بندی می‌شود، بیشتر از نظرات دیگر قابل اعتماد و قابل قبول است.

ه زمینه اصلی شکل‌گیری ستاد حوزوی بحران و حضور طلاب در خدمت‌رسانی به مردم را بفرمایید.

■ یکی از عرصه‌های خدمتی روحانیت، رسیدگی به جامعه در زمان بروز بحران و حل مشکلات مردم است؛ حوادث و بحران‌های غیرمترقبه‌ای چون سیل و زلزله، طوفان، بیماری‌های واگیر و... هم‌چنان که در دوران دفاع مقدس لازم بود همه شهید بدهد، در این بحران‌ها هم وارد میدان می‌شود.

ولی در دو ساله اخیر تجربه جدیدی از سوی مدیریت حوزه علمیه ثبت شد و این تجربه آن بود که حضور خودجوش طلاب و روحانیون به‌منظور رسیدگی به مردم سبز زده و زلزله‌زده کارآرزشمندی بوده است که مرتباً انجام می‌شده است. این کارها، در آن خوبی بود؛ ولی دو نقیصه باید جبران می‌شد؛ نخست، اطلاع‌رسانی به همه روحانیون و طلاب سراسر کشور به شکل کامل و دوم تهیه سازوکار و امکانات حضور طلاب متقاضی در این مناطق.

با تجربه‌ای که در زمینه رسیدگی به مردم زلزله‌زده سرپل ذهاب داشتیم، متوجه شدیم که با ایجاد یک ستاد بحران می‌توانیم، این کاستی را جبران کنیم؛ در آن جا شاهد بودیم که گروه‌های جهادی و طلاب به سمت کرمانشاه می‌آمدند و مانیزبا تشکیل ستاد بین ۵ تا ۶ نهاد حوزه هم‌پوشانی کردیم.

ستاد حوزوی بحران و حوادث غیرمترقبه با دستور مدیریت حوزه‌های علمیه و با مشارکت حوزه علمیه برادران و خواهران، جامعه‌الذرها، جامعه‌المصطفی، مرکزخدمات حوزه‌های علمیه و دفتر تبلیغات اسلامی ایجاد شد؛ در این ستاد سعی شد که حمایت بیشتر و بهتری از این طلاب انجام شود. در زمینه خدمت‌رسانی شاهد بودیم که هرگروه به تشخیص و سلیقه خود برای خدمت می‌فتند و در برخی مناطق تمرکز بیشتر بود و برخی مناطق شاهد حضور کمتری بودیم؛ نتیجه آن‌که در دو عرصه توانستیم، خدمات شایانی به مردم زلزله‌زده داشته باشیم؛ نخست، جمع‌آوری و توزیع ۲ میلیارد تومان کمک‌های نقدی و غیرنقدی و دوم اعزام و سازمان‌دهی طلاب که دو هزار طلبه در منطقه حاضر شدند بودند.

آیت‌الله اعرافی پس از این تجربه، دستور ایجاد این ستاد به‌عنوان یک ستاد ثابت را صادر کردند که هرگاه حادثه‌ای رخ دهد، این ستاد به میدان بیاید؛ در اولین لحظه‌ای که سیل به آق‌قلا وارد شد و از صبح روز دوم ستاد بحران حوزه در استان تشکیل شد و فعالان این ستاد در منطقه حضور پیدا کردند و به انجام وظایف پرداختند.

■ حضور طلاب در لرستان و خوزستان به چه شکل بود و ساماندهی فعالیت‌های حوزویان به چه شکل انجام شده است؟

■ برای سیل لرستان و خوزستان نیز ستاد بحران استانی ایجاد و مصوبات و اقدامات خوبی نیز در ستاد بحران مرکزی انجام شد.

اولین گام، تشکیل جلسات ستادها در مرکز و استان‌های سیل‌زده بود؛ گام دوم اعلام تعطیلی تمامی مدارس حوزه علمیه سه استان سیل‌زده بود، فرمان صادر شد که به‌جای درس، مدیران، اساتید، کارکنان و طلاب به کمک مردم سیل‌زده بشتابند و اکثر مدارس این سه استان حدود یک ماه تعطیل بوده است.

در خوزستان حدود ۱۵۰۰ طلبه از طلاب استان به‌جای درس، مشغول خدمت‌رسانی به مردم سیل زده بودند.

گام سوم، دستور تشکیل ستاد بحران در تمامی استان‌های کشور برای کمک‌رسانی بود. اعزام طلاب حوزه‌های استان و مردم استان نیز برای مناطق سیل‌زده انجام شد که اقدامات خوبی نیز در این زمینه انجام شده است.

گام چهارم، واریز مبلغ ۵۰ میلیون تومان از طریق اعضا در یک حساب برای کمک به ستادهای استانی بود که توانستند، نیازهای اولیه را تأمین کنند.

گام بعدی افتتاح یک شماره حساب برای جمع‌آوری کمک‌های نقدی طلاب و روحانیون کل کشور به مردم سیل‌زده این سه استان و دیگر استان‌ها بود. هم‌چنین یک حساب مشترک در مرکز خدمات حوزه ایجاد شد و به طلاب و روحانیون کشور ابلاغ کردیم که با لطف خدا طبق آخرین خبرها یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان از سوی طلاب به این حساب واریز شده است تا نیازهای ضروری مردم مدنظر قرار گرفته و به آن‌ها خدمت‌رسانی شود.

گام دیگر، اعلام به مدیران حوزه‌های علمیه استان و کارمندان حوزه پنج نهاد حوزوی بود که علاقه‌مندان یک‌تا چند روز فوق‌ماهانه خود را به سیل‌زدگان اختصاص دهند که خوشبختانه مبلغ خوبی نیز واریز شد و برخی طلاب حقوق در روز خود را اختصاص دادند.

گام بعدی، جمع‌آوری کمک‌های غیرنقدی بود که طلاب و روحانیون کشور امکانات خود را بسیج کردند و کالاهای مورد نیاز مردم را تأمین نمودند که در مجموع ده‌ها کامیون مجموعه اقدام



گزارشی کامل از حضور و خدمت‌رسانی حوزویان در سیل اخیر کشور

از حضور ۱۲ هزار طلبه در مناطق سیل‌زده تا کمک ۱/۸ میلیاردی

مدیر دفتر سیاسی اجتماعی حوزه‌های علمیه به تشریح کاملی از حضور و فعالیت طلاب در مناطق سیل‌زده و اقدامات ستاد حوزوی بحران و حوادث غیرمترقبه پرداخت. حجت‌الاسلام والمسلمین زمانی مسئول دفتر اجتماعی سیاسی حوزه‌های علمیه و مسئول ستاد حوزوی بحران و حوادث غیرمترقبه در گفت‌وگویی با خبرگزاری حوزه به ذکر فعالیت‌های این ستاد و خدمات حوزویان در این رابطه پرداخت که به خوانندگان محترم اقق حوزه تقدیم می‌شود.

غیرنقدی شامل نیازهای اولیه‌ای بود که با مشورت

هلال احمر، ستاد منطقه و ستاد سه استان تهیه کردیم که شامل پوشاک، خوراکی‌های خشک، وسایل بهداشتی و وسایل لایروبی منازل مردم بود که مجموعه آن معادل ۶۵۰ میلیون تومان در نوبت اول انجام شد.

گام دیگر در زمینه اعزام طلاب بود؛ در حقیقت منظور ما از ساماندهی، ساماندهی همین حضور خودجوش طلاب بود؛ به‌شکلی که حضور اکثریت قاطع طلاب در این مناطق به‌شکل خودجوش و در همان لحظات اولیه بحران انجام شد؛ گروه‌های جهادی تشکیل می‌شدند و هر گروه از افراد در دسته‌های متعدد در منطقه حضور می‌یافتند؛

برخی گروه‌های دیگر تشکل‌های تبلیغی هستند که به‌سرعت همدیگر را پیدا می‌کنند و با هم به منطقه اعزام می‌شوند. هلال احمر، ستاد منطقه و ستاد سه استان تهیه کردیم که شامل پوشاک، خوراکی‌های خشک، وسایل بهداشتی و وسایل لایروبی منازل مردم بود که مجموعه آن معادل ۶۵۰ میلیون تومان در نوبت اول انجام شد. گام دیگر در زمینه اعزام طلاب بود؛ در حقیقت منظور ما از ساماندهی، ساماندهی همین حضور خودجوش طلاب بود؛ به‌شکلی که حضور اکثریت قاطع طلاب در این مناطق به‌شکل خودجوش و در همان لحظات اولیه بحران انجام شد؛ گروه‌های جهادی تشکیل می‌شدند و هر گروه از افراد در دسته‌های متعدد در منطقه حضور می‌یافتند؛ برخی گروه‌های دیگر تشکل‌های تبلیغی هستند که به‌سرعت همدیگر را پیدا می‌کنند و با هم به منطقه اعزام می‌شوند.

■ چند گروه جهادی به منطه اعزام شد؟

■ برخی از این گروه‌ها چند روز پس از حضور در منطقه شناسایی شدند که اعلام حضور نکرده بودند؛ این حضور عاشقانه بسیار زیبا بود، زیرا این گروه‌ها بدون تلاش برای به چشم آمدن و نام و نشان و فقط با هدف خدمت‌رسانی به مردم در منطقه حضور دارند و گزارشی نیز به نهادهی ارائه نکردند؛ البته برخی گروه‌های دیگر برای حضور در منطقه اعلام حضور می‌کردند و درخواست امکانات داشتند و جمع عظیمی در این زمینه وارد عرصه خدمت‌رسانی شدند.

■ آمار کل طلاب و روحانیونی که در دو ماه اخیر در استان‌های سیل‌زده حضور می‌یافتند؛ اعم از سه استان مذکور و استان‌های دیگری چون کرمانشاه، فارس و...، در این سیل، ۱۲ هزار نفر طلبه به این مناطق رفته و خدماتی انجام دادند و این آمار واقعی است.

■ حضور طلاب غیرمعمم و معمم به چه شکلی انجام می‌شد؟

■ انعکاس خبری از حضور طلاب از سوی صداوسیما نشان دادن اندکی از بسیار بود؛ زیرا اکثریت قاطع طلاب و روحانیون ما در این منطقه بدون لباس روحانیت در منطقه حاضر شدند؛ هم برای این‌که قدرت رفت و آمد و فعالیت بیشتری داشته باشند و هم این‌که با اخلاص کامل حضور یابند.

درصد طلاب غیرمعمم و معمم را شاید نتوان اندازه گرفت؛ ولی در پلدختر، دروستای پایازید که همه مردم آواره شده بودند نمی‌دانستند، چگونه گل ولای را بیرون بیاورند، دواتوبوس از طلاب حوزه علمیه بیه‌بازد شده بودند و مدیر و معاونان حوزه بزد نیز به آن‌جا آمده بودند؛ وقتی این ۸۰ نفر را جمع کردیم که همگی از یک مدرسه آمده بودند، تنها ۳ نفر از آن‌ها معمم بودند؛ اگر این تعداد را یک مقیاس نسبی بگیریم باید بگوییم، که ۹۰ درصد طلاب غیرمعمم بودند.

■ پیشترین حضور طلاب در مناطق سیل‌زده مرتبط به چه منطقه‌استانی بود؟

■ بیشترین حضور طلاب در خوزستان بود که شاهد حضور گسترده طلاب بودیم؛ البته مشکلات سیل در این استان هم‌چنان ادامه دارد؛

در این منطقه مشکلات بسیاری وجود داشت؛ از جمله این‌که صحراهایی که تا مدتی پیش خاکی بود، امروز به‌حالت آب‌گیراست و به‌چاله‌های بزرگ آبی مبدل شده است؛ مردم این مناطق با قایق تردد

دارند.

به‌طور کلی ۸ هزار طلبه در خوزستان، ۴ هزار نفر در لرستان و تعداد کمتری در گلستان، در سیل اخیر خدمت‌رسانی کردند.

■ خدمت‌رسانی به مردم در این شرایط صرفاً با اعزام طلاب جهادی انجام نمی‌شود و مقدمات و ضوابط و وسایلی نیز لازم بود، در این زمینه چه کردید؟

■ گام بعدی نیز زد در همین زمینه بود؛ زیرا در آغاز اعزام به‌دلیل شوری که در افراد بود، همه تلاش داشتند که تنها خود را به هر نحوی به منطقه برسانند؛ ولی نکته مهم این بود که در موقع حضور با کمبود ابزار کمک‌رسانی مواجه می‌شدند؛ به‌همین دلیل اطلاع‌رسانی شد که طلاب در زمان اعزام با خود ابزار را نیز ببرند؛ طلاب ۸۰ نفره بزد با چنین تدبیری با ۸۰ بیل و کلنگ و چکمه و فرغون و... به منطقه آمده بودند؛ جالب‌ترین‌که این گروه حتی با خود غذاهای مصرفی خود را به منطقه بردند تا مزاحم کار دیگران نشوند که این مسئله درک بالای این طلاب را نشان می‌دهد؛ زیرا در این شرایط وقتی سیل انبوه امدادگران داوطلب از سراسر کشور به منطقه گسیل می‌شود، حمایت لجستیکی و تأمین مکان استراحت و غذای این افراد از جمله کارهای بزرگ تیم‌های بزرگ خدمت‌رسانی است که طلاب سعی کردند تا همین جا هم هزینه‌ای برای کسی بار نکنند.

■ آیا در زمینه اطلاع‌رسانی شرح وظایف طلاب کاری هم انجام شد؟

■ در آن‌جا حس می‌شد که هدف اصلی طلاب خدمت‌رسانی است؛ ولی تصویر دقیقی از نوع خدمت خود ندارند؛ با حضور در منطقه بررسی کردیم که چه کارهایی از دست طلاب برمی‌آید؛ نتیجه آن شد که شرح وظایف طلاب اعزامی را شفاف تدوین کرده و به آنان ابلاغ کنیم. مجموعه وظایفی که برای طلاب اعزامی در نظر گرفتیم در دو بخش بود؛ نخست بخش فعالیت‌های عمومی با مردم که چهار کار مهم را تشکیل می‌داد.

اول، ساختن سیل‌بندها در اطراف مراکز و شهرها و منازل و مساجد بود؛ دوم، نجات دادن اسباب و اثاثیه مردم؛ سوم، لایروبی مراکز و منازل و ساختمان‌ها (اصلی‌ترین حجم برنامه طلاب) و توزیع و رساندن کالاهای مهم مردم به سیل‌زدگان.

■ طبعاً اظهار لطف مردم سیل‌زده هم از نظر روحی‌طلاب ارتقویت می‌کرد؟

■ در این‌جا بحث ما در خصوص حضور طلاب در این مناطق است؛ ولی در کل باید از همه مردم تشکر کرد؛ هم مردم منطقه که با صبر و کرامت وصف‌ناشدنی که داشتند، زمینه را برای خدمت‌رسانی فراهم کردند و هم از تمام اقشاری که برای خدمت‌رسانی به مردم در منطقه حاضر شده بودند؛ اعم از بسیجیان، دانشجویان، نیروهای نظامی و انتظامی، نیروهای داوطلب، جهادی و... که با جان و دل در خدمت مردم بودند، صحنه‌های وصف‌ناشدنی را خلق کردند؛ ولی نکته مهم، قدرشناسی مردم بود که واقعاً خستگی را از تن خادمان به‌درمی‌کرد.

در زمانی‌که به همراه آیت‌الله اعرافی در پلدختر حضور داشتیم، شخصیت بزرگ یکی از روستاها نزد ایشان آمد و در جلسه‌ای که برای ساماندهی امور ترتیب داده شد، حضور یافت و با صدای رسا

گفت: اگرچه سیل اموال ما را برد؛ ولی این سیل،

سیلی از محبت ملت ایران را برای ما به ارمغان آورد و این سیل محبت، تمام وجود ما را گرفته؛ لذا نراحتی‌های ما را جبران کرد.

■ خدمات فرهنگی نیز از سوی طلاب انجام شد؟

■ بخش دوم خدمات طلاب، علاوه بر خدمات عمومی، خدمات فرهنگی و دینی بود که تنها از دست طلاب برمی‌آید؛ در این عرصه ده خدمت اطلاع‌رسانی شد؛ تشویق مردم دیگر استان‌ها برای جمع‌آوری کمک و امداد، اقامه نماز جماعت برای سیل‌زدگان در کعبه‌ها و محل‌های اجتماع آن‌ها، پاسخ‌گویی به سؤالات شرعی و بویژه در شرایط بحران، آرامش‌بخشی و ترویج فرهنگ بردباری و صبر و تحمل مشکلات از سیل و آوارگی و.. ترویج فرهنگ اخلاق اسلامی خاص شرایط بحران از جمله رعایت عدالت در توزیع، ایثار، امانت‌داری

اموال مردم هجرت‌کرده، امداد به ضعیفا، برگزاری مراسم دینی به‌مناسبت‌های ایام اعیاد و وفیات، برنامه‌های جنگ شادی ویژه دانش‌آموزان توسط طلاب متخصص تربیت کودکان و نوجوانان و مشاوره‌های روان‌شناسانه به مردم آسیب‌دیده توسط طلاب متخصص از دفتر تبلیغات و معاونت تهذیب برای حل بحران‌های روحی مردم از جمله اقدامات فرهنگی طلاب بود.

■ چه آسیب‌های روحی، سیل‌زدگان و آسیب‌دیدگان از حوادث و بلاهای طبیعی را تهدید می‌کنند؟

■ در این زمینه تجربه تلخی در گذشته داشتیم و از تجربیات هلال احمر نیز استفاده کردیم؛ یکی از کارشناسان هلال احمر بیان می‌کرد که در زلزله هم آسیب‌های روحی بسیاری از کودکان داغ‌دیده درمان‌نشده و به یک افسردگی دائمی مبدل شد؛ لذا ناچار شدند، برخی از افراد را به تیمارستان منتقل کنند که برخی از آن‌ها سال‌هاست در تیمارستان به سر می‌برند؛ لذا تلاش کردند که اگر کسی از بازماندگان دچار آسیب روحی شده است، او را به‌سرعت درمان کنند. مثلاً در این میان می‌توان به درمان کودکان تیممی اشاره کرد که امروز به یکی از اطباء درجه یک کشور مبدل شده است.

■ در ماه رمضان نیز اقدامات فرهنگی ویژه سیل‌زدگان انجام شد؟

■ استقرار روحانی در همه روستاهای استان‌های سیل‌زده در ماه رمضان، از دیگر اقدامات طلاب بود؛ علی‌رغم این‌که دستگاه‌های تبلیغی هرساله به استان‌ها و روستاهای مختلف اعزام‌هایی دارند؛

■ آمار کل طلاب و روحانیونی که در دو ماه اخیر در استان‌های سیل‌زده حضور می‌یافتند؛

■ اعم از سه استان مذکور و استان‌های دیگری چون کرمانشاه، فارس و...، در این سیل، ۱۲ هزار نفر

طلبه به این مناطق رفته و خدماتی انجام دادند و این آمار واقعی است.

■ بیشترین حضور طلاب در خوزستان بود که شاهد حضور گسترده طلاب بودیم؛

■ البته مشکلات سیل در این استان هم‌چنان ادامه دارد؛ در این منطقه مشکلات بسیاری وجود داشت؛ از جمله این‌که صحراهایی که تا مدتی پیش خاکی بود، امروز به‌حالت آب‌گیر است

و به چاله‌های بزرگ آبی مبدل شده است؛ مردم این مناطق با قایق تردد دارند.

■ به‌طور کلی ۸ هزار طلبه در خوزستان، ۴ هزار نفر در لرستان و تعداد کمتری در گلستان

دارند.

به‌طور کلی ۸ هزار طلبه در خوزستان، ۴ هزار نفر در لرستان و تعداد کمتری در گلستان دارند.

■ آمار کل طلاب و روحانیونی که در دو ماه اخیر در استان‌های سیل‌زده حضور می‌یافتند؛

■ اعم از سه استان مذکور و استان‌های دیگری چون کرمانشاه، فارس و...، در این سیل، ۱۲ هزار نفر

طلبه به این مناطق رفته و خدماتی انجام دادند و این آمار واقعی است.

■ بیشترین حضور طلاب در خوزستان بود که شاهد حضور گسترده طلاب بودیم؛ البته مشکلات سیل در این استان هم‌چنان ادامه دارد؛ در این منطقه مشکلات بسیاری وجود داشت؛ از جمله این‌که صحراهایی که تا مدتی پیش خاکی بود، امروز به‌حالت آب‌گیر است

و به چاله‌های بزرگ آبی مبدل شده است؛ مردم این مناطق با قایق تردد دارند.

■ به‌طور کلی ۸ هزار طلبه در خوزستان، ۴ هزار نفر در لرستان و تعداد کمتری در گلستان

دارند.

به‌طور کلی ۸ هزار طلبه در خوزستان، ۴ هزار نفر در لرستان و تعداد کمتری در گلستان دارند.

■ آمار کل طلاب و روحانیونی که در دو ماه اخیر در استان‌های سیل‌زده حضور می‌یافتند؛

■ اعم از سه استان مذکور و استان‌های دیگری چون کرمانشاه، فارس و...، در این سیل، ۱۲ هزار نفر

طلبه به این مناطق رفته و خدماتی انجام دادند و این آمار واقعی است.

■ بیشترین حضور طلاب در خوزستان بود که شاهد حضور گسترده طلاب بودیم؛ البته مشکلات سیل در این استان هم‌چنان ادامه دارد؛ در این منطقه مشکلات بسیاری وجود داشت؛ از جمله این‌که صحراهایی که تا مدتی پیش خاکی بود، امروز به‌حالت آب‌گیر است

و به چاله‌های بزرگ آبی مبدل شده است؛ مردم این مناطق با قایق تردد دارند.

■ به‌طور کلی ۸ هزار طلبه در خوزستان، ۴ هزار نفر در لرستان و تعداد کمتری در گلستان

دارند.

است.

نسبت به سیل فعلی در جلسه‌ای که با ستاد حوزوی سیل در استان خوزستان داشتیم، گزارشی از آن‌ها خواستیم. دبیر حوزوی ما گزارش را این‌گونه آغاز کرد که تشکیل ستاد بحران پیش از سیل انجام گرفت؛ زیرا به‌مجرد این‌که سیل در لرستان جاری شد، مدیران حوزوی خوزستان گرد آمدند و برآورد کردند که احتمال آمدن سیل در خوزستان قوی است و از امروز باید پیشگیری کنیم؛ زیرا چند سداز جمله کرخه، کارون و... در منطقه حضور دارد و آبریز

مجموعه پنج سد آن‌ها به سمت خوزستان است و با احتمال افزایش بازندگی این سدها پرمی‌شود و هم‌چنین برخی از آن‌ها ممکن است، بشکند و اگر شکست، باید از امروز فکر کنیم.

دوم این‌که اگر مسئولان برای عدم تخریب سد، دریاچه‌های سد را باز کنند که در این صورت نیرآب بسیاری به مناطق پایین دست جاری می‌شد؛ لذا از مسئولان سازمان آب و متخصصان آب‌شناسی منطقه در جلسه ستاد حوزوی دعوت کردیم که آن‌ها در سه سناریو با خطر ویژه ۴ تا ۱۵ روستا و ۱۰ شهر خبر دادند؛ لذا از آن‌ها بازنامه‌ای خواستیم که سه سناریوی مستقل را بنابر سه احتمال انجام دهیم که اگر حادثه‌ای پیش بیاید، روستاها و شهرها آسیب نبینند؛ این برنامه نوشته شد و یکی از اقدامات اولیه، ایجاد سیل‌بند بود و کنار روستاهای محتمل به خطر، سیل‌بند زدند. همین احتمال ضعیف، پس از چند روز به واقعیت پیوست و هر سه سناریو اجرا شد.

در برخی از روستاها کبسه‌های خاک و شنی را دیدیم که پیش از سیل در این مناطق زده شده بود؛ اگر دستگاه‌های دولتی در روزهای اولیه برای خروجی چهار برابری آب تمهید می‌کردند و با بیل‌های مکانیکی و دستگاه‌های مکانیزه به منطقه می‌آمدند و سیل‌بند‌هایی اطراف شهرها و روستا زده می‌شد، شاید همین میزان خسارت نیز به بار نمی‌آمد.

تدبیر دوم، حفر کانال بود که متأسفانه این کانال‌ها کنده نشد؛ تدبیرهایی که از سوی طلاب انجام شده بود، بسیار زیبا و جالب توجه بود و این مسئله کارایی ذهنی و عملیاتی طلاب را نشان می‌دهد. در خصوص سیل‌های آینده نیز تمهیداتی باید انجام می‌شد؛ مسئولان و وزاری زیربیط باید از این سیل عظیم امسال تجربه کسب کنند و به‌شناسایی تمام مناطق سیل‌خیز کشور اقدام کنند و تمهیدات و تدابیری را انتخاب و انجام دهند که در صورت وقوع سیل‌های شدیدتر جان و مال مردم آسیب نبینند.

■ آیا آماری دقیقی از طلابی که در این سیل کمک‌رسان بودند دارید؟

■ آمار کاملی از اسامی تمام طلاب نداریم؛ زیرا بسیاری از آن‌ها به‌شکل خودجوش و انفرادی که از درون‌ماهیه‌های طلبگی است، برای کمک و امداد‌رسانی به منطقه آمده بودند؛ ولی آمار و اسامی برخی گروه‌ها را داریم و باطلایی که به‌شکل متشکل به منطقه رفتند، نیز ارتباط گرفتیم تا در آینده در زمینه آموزش و ساماندهی نوع اعزام‌ها و بهره‌مندی بهتر گروه‌هایی نیز توسط ستاد و مدیران و مدارس اعزام شده‌اند که آمار این طلاب نیز مشخص است؛ مثلاً در زمینه حوزه علمیه تهران، مدیر حوزه تهران به همراه جمع زیادی از طلاب به منطقه آمده بود؛ وقتی برای یافتن مدیر به جمع طلاب تهرانی رفتیم، او را در حال کار یافتیم و مثل همه طلبه‌ها به یاد دوران جنگ و جبهه و تبلیغ بدون هیچ تشریفاتی همان کاری را انجام می‌داد که دیگران نیز انجام می‌دادند.

در گفت‌وگو با یک مبارز انقلابی بررسی شد

از شکنجه ساواک

تا ماجرای تحصن در مدرسه فیضیه

یک‌بار مرا به اتاق شکنجه برده بودند، شنیدم فردی که شکنجه می‌شد، فریاد می‌زد که «تو را به ابوالفضل نزن»!

ولی شکنجه‌گر به حضرت ابوالفضل علیه السلام هم توهین می‌کرد. برخی می‌گفتند که این‌ها حتی به خدا نیز اعتقاد ندارند.

با توجه به نزدیک شدن به سالروز قیام ۱۵ خرداد ۴۲ و مرور خاطرات دوران انقلاب، خبرنگار خبرگزاری حوزه پای‌گفت‌وگو

و خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین مفید کبابی‌نژاد، از مبارزان انقلاب و دوران رژیم ستم‌شاهی طاغوت نشسته و در مورد مسایل و شرایط فعلی انقلاب و جمهوری اسلامی نظراتش را جویا شده که تقدیم مخاطبان نشریه افق حوزه می‌شود.



■ **ضمن عرض سلام و تشکر، خاطراتی از دوره تحصیلات و دوره مبارزاتی خودبفرمایید.**

■ بنده بعداز تحصیلات ابتدایی، برای تحصیل علوم دینی وارد مدرسه علمیه حقانی قم شدم و پنج سال در این مدرسه زیر نظر شهید قدوسی به تحصیل علوم دینی پرداختم. دروس سطح و خارج خود را در محضر اساتیدی هم‌چون آیات عظام و حجج‌اسلام نوری همدانی، فاضل لنکرانی، علوی گرگانی، منتظری، مشکینی، استادی، خوعلی، مقتدایی، گرامی، مصباح یزدی، انصاری شیرازی خواندم.

از همان ابتدا که در مدرسه حقانی بودم، فعالیت‌های مبارزاتی علیه رژیم شاهنشاهی داشتم.

مدرسه حقانی از همان ابتدا به‌عنوان یک مدرسه انقلابی، شناخته شده بود و اغلب طلاب مدرسه حقانی در تکثیر و توزیع اعلامیه و نوارهای حضرت امام علیه السلام فعالیت داشتند و تنها مدرسه‌ای در قم بود که تمامی حجره‌هایش عکس حضرت امام راحل را داشت.

بعضی از طلاب مدرسه حقانی، در جریان فعالیت‌های مبارزاتی خود دستگیر و زندانی می‌شدند. بنده نیز در کنار این طلبه‌ها مشغول فعالیت بودم و عمده کار ما پخش نوارها، اعلامیه‌ها و رساله امام بود.

ما ایام محرم برای تبلیغ به شمال می‌رفتم. یک‌بار در روز به محرم مانده بود عازم سفر به شمال شدیم که در بین راه ما را در خیابان مصباح کرج دستگیر کردند و به ساواک این شهر بردند. حدود چهار پنج ساعت در ساواک کرج بودم تا رئیس ساواک کرج به‌نام سرهنگ خدیوی آمد و دستور داد که ما را به زندان قزل قلعه ببرند. ما را برزند و به زندان تحویل دادند.

در ادامه این مطلب داخل پرانتز باید به این نکته اشاره کنم که یکی از اشتباهاتی که صورت گرفت، جمع کردن زندان قزل‌قلعه بود. این زندان باید باقی می‌ماند و به‌عنوان موزه‌ای برای انقلاب اسلامی حفظ و نگهداری می‌شد؛ ولی الآن این زندان به میدان تروبار تبدیل شده است.

حاکمیت و نفوذ کلام خاص آیت‌الله ربانی شیرازی بر محیط زندان و زندانبانان

در این‌جا باید یادی از آیت‌الله ربانی شیرازی علیه السلام داشته باشم که حاکمیت و نفوذ کلام خاصی بر محیط زندان، زندانبانان و حتی مأموران و نگهبانان زندان داشت.

من آن‌جا ۱۹ روز در سلول انفرادی زندانی بودم. وقتی می‌خواستند، بازرسی بدنی کنند، وسایلم را از جیبم درآورند. من قرآنی را که در جیبم بود، خواستم بیوسم و آن را با خود ببرم که مأمور زندان روی دستم زد وگفت:توبه قرآن بی‌احترامی می‌کنی و لذا وقتی من را به سلول بردند، دیگر هیچ چیزی با خود نداشتیم. نه قرآنی، نه کتاب دعایی، نه روزنامه‌ای. از وقتی صبحانه برای ما می‌آوردند، دیگر کاری نداشتیم. می‌نشستم و فقط فکرمی‌کردم تا ظهر شود. ظهرم، نماز می‌خواندیم و نهار می‌خوردیم و بعد هم همین‌طور ادامه می‌دادم تا این‌که شب شود و بعد دوباره تا صبح همین‌طور می‌گذشت.

■ **در آن ۱۹ روز چه چیزهایی فکرمی‌کردید؟**

■ در آن ایام بیشتر از محفوظاتی که از قرآن، ادعیه و توسلات داشتم، استفاده می‌کردم.

در سلول انفرادی بیشتر به این مسئله فکرمی‌کردم که حالا باید چه کاری انجام دهم و یا در بازجویی‌ها چه بگویم که اطلاعات کمتری به آن‌ها بدهم و دچار گرفتاری کمتری شوم.

چیزهای دیگری که در تنهایی به ذهنم می‌رسید بی‌اطلاعی پدر و مادر و خانواده از من بود که هیچ خبری از من نداشتند. حتی خاطر م هست که پدرم به همراه پدر دوستم، همه بیمارستان‌ها را زیر و رو کرده بودند. آمار مرده‌های بهشت زهرا را دیده بودند و وقتی اسم ما را ندیده بودند، گمان کرده بودند که ما تصادف کرده و از بین رفته‌ایم؛ البته چون می‌دانستند که من فعالیت‌های مبارزاتی دارم، یکی دو بار هم به زندان مراجعه کرده بودند؛ ولی مأموران به آن‌ها گفته بودند که چنین کسانی را نداریم. من مدام به این فکر می‌کردم که چگونه به خانواده اطلاع بدهم که ما این‌جا هستیم. در زندان نه قلم و کاغذی بود و نه هیچ وسیله دیگری.

نهایتاً به که در شرف آزادی بود، آدرس دادم و ایشان هم بعد از آزادی به خانواده‌ام اطلاع دادند که من در زندان هستم.

رفتن به بند عمومی زندان پس از ۱۹ روز باتلاش آیت‌الله ربانی شیرازی
نکته‌ای دیگری که باید ذکر کنم، این است که در آن ایام مرحوم آیت‌الله ربانی شیرازی نیز در بند عمومی زندان قزل‌قلعه حضور داشتند و نمی‌دانم ایشان از کجا متوجه شد که من زندان هستم. ما در قم با ایشان ارتباط داشتیم و به منزلشان رفت و آمد می‌کردیم. اعلامیه‌ها را از ایشان می‌گرفتم و پخش می‌کردیم و با پسرشان نیز ارتباط داشتم. روز ششم ورود من به سلول بود که دیدم مأمور مراقبی که بین سلول‌ها قدم می‌زند، آمد و گفت: کبابی‌نژاد تویی؟ گفتم: بله. گفت: آقای ربانی سلام رساند و این قوطی حلوی مسقطی شیراز را برای شما فرستاده است. انگار دنیایی را به من دادند که آقای ربانی متوجه شده من این‌جا هستم. ایشان خیلی تلاش کرد که من را به بخش عمومی بیاورد؛ چون خیلی بعید بود که به این زودی‌ها من را به بند عمومی منتقل کنند. ایشان حاکمیتی در زندان داشت. استوار ساقی که آدم بسیار خبیثی بود هم‌زمان ریاست سه زندان قزل‌قلعه،

L یکی از راه‌های شکنجه این بود وقتی فردی را که می‌خواستند

شکنجه کنند می‌آوردند پشت اتاق شکنجه تا فریاد شخصی

که در اتاق، شکنجه می‌شد، بشنود و بی‌طاعت شده و بترسد؛

یک‌بار مرا برای شکنجه پشت آن اتاق برده بودند از فردی که

شکنجه می‌شد، شنیدم فریاد می‌زد «تو را به ابوالفضل نزن»

و شکنجه‌گریه حضرت ابوالفضل علیه السلام هم توهین می‌کرد!!

برخی می‌گفتند که این‌ها حتی به خدا نیزاعتقاد ندارند.

دزهای رحم در دل این‌ها نبود.

آن‌ها وقتی دیدند که برای شکنجه کردن من مشت و لگد کارگر نیست

دستور دادند تا لخم کردند و روی تخت خواباندند و شلاق زدند.

وقتی من دست و پا می‌زدم، دست‌هایم را با دست‌بند از پشت بستند

و یکی از آن‌ها هم پتویی را روی دهانم انداخت. وقتی شلاق می‌زدند

از پام خون می‌آمد و بعد یکی از آن‌ها روی سینه من نشست

و کنار ابروها و زیر چانه من را با فندک می‌سوزاند

و وقتی دیدند که باز من حرفی نمی‌زنم، با سیگار

چند جای بدنم را سوزاندند و آتش آن را با پشت زانوی من

خاموش کرد که این زخم آتش سیگار، مدتی طول کشید تا خوب شود.

این شکنجه‌ها حدود دو ساعت طول کشید .

جمشیدیه و عشرت‌آباد را بر عهده داشت؛ ولی حرف‌شنوی خاصی از مرحوم ربانی داشتم.

ایشان تلاش کرد که ما را از سلول انفرادی به عمومی بیاورند. با تلاش ایشان پس از ۱۹ روز خود ساقی با چند مأمور آمد و گفت: وسایلت را جمع کن و برو عمومی. ما که وسیله‌ای نداشتیم جز یک کاسه، یک بشقاب و یک قاشق و این‌گونه شد که به عمومی آمدیم. درب حیاط را که باز کردم، دیدم آقای ربانی در حال قدم زدن است. به نزد ایشان رفتم، آقای ربانی مرا بغل کرد و من دستشان را بوسیدم. وقتی وارد عمومی شدم، انگار دنیایی را به من داده بودند.

ما در زندان با حدود ۴۰ نفر از منافقین (مجاهدین خلق) بودیم. میزان حاکمیت آقای ربانی به‌حدی بود که وقتی مأموران، صبح به صبح می‌آمدند تا به ما دست‌بند بزنند و به دادگاه ببرند، ایشان با تشرو و تحکم با مأمور صحبت می‌کرد که برای چه دست‌بند می‌زنید؟ مگه این‌ها قاتل یا جلانی‌اند؟

آن‌ها می‌گفتند: ما هم مأموریم و معذوزا ولی این‌بار می‌زنیم و در دفعه‌های بعد نمی‌زنیم که با تحکم ایشان دیگری به ما دست‌بند نزنند.

من برای زندان اولم حدود چهارماه و نیم زندانی کشیدم و آزاد شدم.

■ **شما به چه اتهامی محکوم به زندان شدید؟**

■ ما چهار نفر بودیم که دستگیرمان کردند و بنده متهم به داشتن دستگاه چاپ بودم و عمده شکنجه‌ها به‌خاطر دستگاه چاپ بود.

■ **از انواع راه‌هایی که زندانبانان را شکنجه می‌کردند، بگویید؟**

■ **مشت و لگد که طبیعی بود.** یکی از راه‌های شکنجه این بود که فردی که می‌خواستند شکنجه کنند را می‌آوردند پشت اتاق شکنجه تا فریاد شخصی که در اتاق، شکنجه می‌شد، را بشنود و بی‌طاعت شده و بترسد؛ مثلاً یک‌بار که من را پشت آن اتاق برده بودند از فردی که شکنجه می‌شد، می‌شنیدم فریاد می‌زد که «تو را به ابوالفضل نزن» و شکنجه‌گر به حضرت ابوالفضل علیه السلام هم توهین می‌کرد!! برخی می‌گفتند که این‌ها حتی به خدا نیز اعتقاد ندارند. دزهای رحم در دل این‌ها نبود.

آن‌ها وقتی دیدند که برای شکنجه کردن من مشت و لگد کارگر نیست، دستور دادند تا لخم کردند و روی تخت خواباندند و شلاق زدند. وقتی من دست و پا می‌زدم، دست‌هایم را با دست‌بند از پشت بستند و یکی از آن‌ها هم پتویی را روی دهانم انداخت. وقتی شلاق می‌زدند، از پام خون می‌آمد و بعد یکی از آن‌ها روی سینه من نشست و کنار ابروها و زیر چانه من را با فندک می‌سوزاند و وقتی دیدند که باز من حرفی نمی‌زنم، با سیگار چند جای بدنم را سوزاندند و آتش آن را با پشت زانوی من خاموش کرد که این زخم آتش سیگار، مدتی طول کشید تا خوب شود. این شکنجه‌ها حدود دو ساعت طول کشید و وقتی از من خواستند تا مشغول نوشتن بشوم؛ دست‌های من پس از باز شدن خشک شده بود و دستم بالا نمی‌آمد. خود آن فرد، دستم را بالا آورد و بعد تکان داد تا برای نوشتن آماده شوم. وقتی نام و شهرت و محل اقامتم را گفتم که از روستای گلپدر هستم، یک دفعه من را جعب و راست کرد که با آیت‌الله طالقانی چه ارتباطی داری؟ ظاهراً ارتباط من را با ایشان متوجه شده بودند؛ چون به منزل مرحوم طالقانی رفت و آمد داشتم.

روزهای دیگر هم مرا برای بازجویی می‌بردند؛ ولی شکنجه آن‌ها در حد مشت و لگد بود.

بعداز گذشت چهار ماه و نیم، زندان من تمام شد و آزاد شدم؛ ولی از فعالیت‌های سیاسی و مبارزاتی دست برنداشتم؛ اما چون دیگر شناخته شده بودیم کمی با احتیاط کار می‌کردم تا ماجرای خرداد سال ۵۴ و مدرسه فیضیه پیش آمد.

با دوستان هرسال در خردادماه جمع می‌شدیم و برای شهدای فاجعه فیضیه مراسمی برگزار می‌کردیم. بعضاً هم شلوغ می‌شد و برخی‌ها را دستگیر می‌کردند؛ ولی آن سال حساس بود و تصمیم بر آن شد که آن سال برای آزادی بعضی از زندانی‌ها در فیضیه بمانیم و تحصن کنیم.

در ابتدا، جمعیت ما حدود ۲۰۰ نفر می‌شد؛ ولی یک تعدادی که دیدند اوضاع ناچور شده، رفتند.

مدرسه محاصره شد و فردای آن روز من متوجه شدم که این‌ها از توی گلدسته حرم از ما عکس می‌گیرند؛ درحالی‌که فاصله زیادی بین گلدسته‌ها و فیضیه بود. من سریع عبا را روی صورت کشیدم که شناسایی نشوم و به همه دوستان گفتم که عیایشان را روی صورت بکشند که شناسایی نشوند که عین این اتفاق هم افتاد.

نزدیک ظهر بود که سرهنگ شهرستانی، رئیس شهربانی وقت قم با بلندگو اعلام کرد که تا ساعت چهار بعداز ظهر مهلت دارید، بیرون بیایید که اگر بیرون بیایید در امانید؛ والا برخورد دیگری با شما می‌شود. در این فاصله بعضی‌ها رفتند و برخی هم محکم ایستادند.

ما در مدرسه را از پشت بسته بودیم و کسی نمی‌توانست داخل بیاید. از هتل کنار حرم به پشت بام مدرسه فیضیه آمدند و از آن‌جا وارد ایوان و بعد وارد حیاط شدند و شروع کردند به زدن متحصنان و طلبه‌ها. با این‌که این‌ها مأمور بودند که کمره به پایین را بزنند؛ ولی به سر طلاب می‌زدند. اغلب رفقا سرها و لباس‌هایشان خونی شده بود.

من به‌لحاظ این‌که تا حدودی آموزش‌های دفاع شخصی و رزمی را یاد گرفته بودم، سعی می‌کردم باتوم به سرم نخورد؛ ولی دستم کبود شده بود و بالاخره من و یکی از دوستان به نام سیدابوالفضل حسینی از دست‌شان فرار کردیم و به حجره خود در دارالشفا آمدیم، در را بستیم و پرده را کشیدیم. مأمورین در حجره‌ها را می‌شکستند و به جلومی‌آمدند تا این‌که به حجره ما رسیدند. آن‌ها در را شکستند و ما را زدند و بردند در ردیف بقیه در حیاط نشاندند و همه را در حیاط دارالشفا جمع کردند. این اتفاقات در روز ۱۶ خرداد اتفاق افتاده بود. وقتی که به‌خط سوار اتوبوس می‌کردند، همه خون‌آلود بودند و برخی از آن‌ها چون در حجره بودند، زیرپیراهن، نتشان بود؛ ولی من لباس تنم بود. یک ساواکی لعنتی را جلوی درب اتوبوس گذاشته بودند که به افراد دستگیرشده نگاه کند و ببینند چه کسی سالم است تا او را هم به زند دیگران درآورد و خون‌آلود کند. من تنها در این جمع سالم بودم و وقتی جلوی درب اتوبوس رسیدم دید که من سالم هستم، چنان با مشت توی دهان و بینی‌ام کوبید که خون بیرون زد و لباس و دهانم را خونی کرد. ما را در ماشین سوار کردند و به شهربانی قم بردند.

شب اول که هفتاد هشتاد نفر در حیاط شهربانی قم بودیم، جایی برای خوابیدن نبود. من چهارزانو‌نشسته بودم و یکی از دوستان سرش را گذاشت روی یک زانو و دستگیر دیگری سرش را گذاشت روی زانوی دیگرم و من هم دستم را روی سر این‌ها گذاشتم و تا صبح این‌گونه خوابیدیم. حدود چهار بعدازظهر بود که ما را به‌خط کردند و به اتوبوس‌ها سوار کردند تا به تهران ببرند. در راه با خودم فکر کردم که این چه کاری است که ما می‌کنیم؟ چطور می‌شود با این دشمنان تا دندان مسلح مقابله کرد؟ با این وضعیت بچه‌های ما که سهل است؛ نوه‌های ما که سهل است؛ بچه‌های نوه‌های ما هم نمی‌توانند پیروزی انقلاب و سقوط رژیم ستم‌شاهی را ببینند؟

شب به تهران رسیدیم و ما را مستقیم به زندان اوین بردند.

همه را روی سنگ‌های شبیه سنگ‌هایی که در خط راه آهن وجود دارد و خشن و بزرگ است، به‌حالت دمر خواباندند و کسی هم که تکان می‌خورد، با باتوم به سرش می‌زدند. حدود دو‌ساعت روی این سنگ‌ها خوابیده بودیم. من حساب کردم که نماز دارد قضا می‌شود؛ بنابراین نماز را در همان حالت خواندم.

بعد همه را به بندها بردند و در هر بندی ۲۵ نفر در یک اتاق بودیم و همه نیز با یک اتهام دستگیر شده بودیم.

صبح که شد، یکی یکی همه را می‌بردند در اتاقی در زیرزمین که به آن هشتی می‌گفتند. در اتاق، چهار میز با چهار بازجو بود. من چون روش بازجویی را بلد بودم، به آن‌ها می‌گفتم: من کاره‌ای نیومد، رفته بودم فیضیه نماز بخوانم که درب فیضیه بسته شد، باورشان شده بود که ما را بی‌گناه گرفته‌اند. فقط نگران بودم که نکنند بازجوهای سابق بیایند و من را ببینند. می‌گویند فال بی‌نیشت می‌آید؛ تا این فکر از ذهن ما گذشت، یک‌دفعه در باز شد و آن بازجوی نامرد به نام اردلان که در قزل قلعه ما را شکنجه می‌داد، من را در اتاق دید و با وجود گذشت چهار سال و این‌که لباس شخصی هم تنم بود، من را شناخت. تا مرا شناخت، آمد داخل و یک نفر دیگر هم به دنبالش

وارد اتاق شد و گفت جناب سرهنگ این را ول نکنید، این فرد سابقه دارد و تا گرفت که سابقه دارد، همه بلند شدند و با مشت و لگد مرا می‌زدند و تحویل هم می‌دادند. یکی از این افراد با پا به پهلوی من لگد زد که من غش کردم. آب آوردند و من را به هوش آوردند و دوباره شروع به سؤال کردن نمودند. وحشت من از این بود که اگر عکسی پیدا شود، دیگر راه فراری وجود ندارد. این‌جا بود که متوسل شدم؛ چون با توجه به سابقه‌ای که داشتم حداقل پنج شش سال به من حکم زندان می‌دادند. بعداز نماز صبح در راهرو قدم می‌زدم و دعای توسل به حضرت زهرا علیه السلام را روزی ۴۰ بار می‌خواندم و از آن حضرت می‌خواستم که بتوانم بیرون بیایم و کاری بکنم؛ وگرنه این‌جا ماندن که فایده‌ای ندارد.

من در هر بازجویی می‌گفتم: برای نماز رفتم و من را اشتباهی گرفتند تا این‌که آل‌بوم‌ها را آوردند. عکس‌ها به‌اندازه‌ای رنگی و شفاف بود که گویی از دو متری گرفته شده‌اند. در عکس‌ها یکی چوب دستش بود، یکی سنگ دستش بود، یکی دهنش باز بود و شعار می‌داد. من هم استرس داشتم که میادا عکسم بین عکس‌ها پیدا شود. پنج شش آل‌بوم عکس بود.

من را مخیر کردند بین دادگاهی شدن و سربرازی رفتن

خلاصه شش‌هفت‌بار ما را برای بازجویی بردند و من هر بار همان یک حرف را تکرار می‌کردم. آخرین‌باری که ما را برای بازجویی بردند، به من گفتند که تودادگاه را قبول می‌کنی یا سربرازی را؟ گفتم: هیچ کدام را. گفت: مگر خانه خاله‌ات هست؟ باید یکی را قبول کنی. گفتم: اجازه بدهید فکر کنم فردا جواب می‌دهم. بعد دوباره چشم‌هایم را بستند. آمدم و با دوستان در سلول مشورت کردم و به این نتیجه رسیدیم که دادگاه حداقل شش سال

است؛ ولی سربرازی نهایت دو سال است که می‌توانم به زن و بچه‌ام هم سر بزنم. فردا که دوباره از من سؤال کردند، گفتم: سربرازی را انتخاب می‌کنم. گفتند: چرا سربرازی؟ گفتم: برای این‌که به مملکت خدمت کنم. با تمسخر و تعجب گفت: تو خدمت بکنی؟! که در فرم نوشت سرباز.

فردا همه را به خط کردند و گفتند: این اسامی را که می‌خوانیم، بیایند این قسمت، از فردا باید بروند فلان پادگان برای سربرازی که اسم من هم بین این اسامی بود.

داشتیم از جلوی یک اتاقی رد می‌شدیم که آن بازجو که اسم مستعارش حسینی بود و با لگد به پهلوی من زده بود که من بیهوش شدم تا مرا دید، مرا کشید و برد به اتاق. دو نفر دیگر هم در اتاق بودند. گفت: لیاست تا برون بالا. جای لگدش کبود و سیاه شده بود. گفت: جاش هست که.

گفتم: بله جاش هست.

گفت: بیرون این را جایی نگویی، ترتیبی دادم که آزاد بشوی. من با خودم فکر کردم، حتماً مرا مسخره می‌کند. باور نمی‌کردم حرفش درست باشد.

بعداز ظهر دوباره من را به اتاق بازجویی بردند.

متأسفانه بعداز انقلاب که می‌گفتند بعضی‌ها با ساواک همکاری کردند، این‌گونه نبود. آن‌ها یک تعهدنامه باالاجبار می‌آوردند که فلائی فرزند فلان تعهد می‌دهم که دیگران این کارها نکنم. این فرد هم یکی از آن تعهدنامه‌ها را آورد و گفت: باید این را امضا کنی و فردا اول صبح در قم خودت را به ساواک قم معرفی کنی. گفتم: باشد و امضا کردم.

ما چهار پنج نفر می‌خواستیم بیاییم قم و چند نفر هم می‌خواستند به مشهد بروند. به ما نفری ۲۰۰ تومان و به مسافرین مشهد نفری ۴۰۰ تومان دادند. ما را با یکی از آن آموچانس‌های مشککی با شیشه‌های دودی آوردند و در میدان کندی تهران (میدان توحید فعلی) پیاده کردند. من فقط پیراهن تنم بود و بقیه با زیرپیراهنی بودند و هرکسی می‌دید، تعجب می‌کرد. رفتم شوش که برای رفتن به قم بلیط بگیریم. ماجرای فیضیه در همه کشور پیچیده بود. تا این‌که یک تاکسی گرفتم و آمدم قم.

■ **شما با آیت‌الله طالقانی ارتباط داشتید. مطالبی را پیرامون این ارتباطات بیان کنید.**

■ **با آیت‌الله طالقانی ارتباطات و رفت و آمدهای زیادی داشتیم و یکی از مهم‌ترین مشوق‌های بنده در جریان مسایل انقلاب ایشان بود.**

در تهران به خانه ایشان می‌رفتم. ایشان حتی کمک‌های مادی به مردم می‌کرد؛ به‌خصوص به کسانی که در مسایل انقلاب بودند و باید کارهایی را انجام می‌دادند، کمک می‌کرد.

جواب آیت‌الله طالقانی به سؤال دانشجویانی از آمریکا و کانادا

یک روز که از قم برای دیدن ایشان به منزلشان رفته بودم، دانشجویانی از انجمن اسلامی آمریکا و کانادا نیز برای دیدن آیت‌الله طالقانی آمده بودند.

دانشجویان در صحبت‌هایشان از آیت‌الله طالقانی سؤال کردند که به نظر شما آیا امروز که امام خمینی علیه السلام در پیری تبعید شدند و شما هم در زندان پیر شدید و ما هم در این کشور و آن کشور آواره شدیم، اصلاً ثمره‌ای دارد که این انقلاب را ادامه دهیم؟

ایشان تأملی کرد و گفت: مشکل و بدبختی ما مسلمان‌ها در این است که دل‌مان می‌خواهد، هرکاری که انجام می‌دهیم، خیلی زود و همین فردا نتیجه بدهد؛ در حالی که سازمان‌های مخوف، امسال کار می‌کنند و ۶۰ سال بعد نتیجه می‌گیرند. ما اصار نداریم که میوه این انقلاب را خودمان بخوریم، ما می‌کاریم تا سال‌های بعد دیگران برداشت کنند و بخورند.

^[1] ادامه در صفحه ۷

راهکارهای عملیاتی شدن تفاهم نامه حوزه علمیه و ستاد امر به معروف قم بررسی شد



آیت‌الله اعرافی با بیان این‌که حوزه علمیه ظرفیت‌های زیادی برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر دارد گفت: مدارس علمیه، سطوح عالی، مراکز تخصصی و فقهی، تربیون نماز جمعه و سایر عرصه‌های حوزوی به خوبی می‌تواند در این عرصه فعال‌تر شود و ما نیز آمادگی داریم تا این واجب الهی بیش‌از پیش در جامعه محقق شود.

به گزارش خبرگزاری حوزه، آیت‌الله اعرافی، ۳۰ اردیبهشت در دیدار حجت‌الاسلام والمسلمین آشتیانی دبیرستاد امریه معروف استان قم که در دفتر مدیر حوزه‌های علمیه و به‌منظور بررسی راهکارهای عملیاتی شدن تفاهم‌نامه پروژه علمیه و ستاد امر به معروف و نهی از منکر استان قم برگزار شد، به تبیین اهمیت و جایگاه این ستاد و راهکارهای استفاده از ظرفیت عظیم حوزه در عملیاتی کردن این فریضه الهی پرداخت.

مدیر حوزه‌های علمیه افزود: حوزه در بخش‌های گوناگون تفاهم‌نامه‌های متعددی منعقد کرده است و در همه این تفاهم‌نامه‌ها یک برنامه ۵ساله دیده شده است و در عرصه امر به معروف و نهی از منکر نیز باید یک افق و برنامه ۵ساله تعریف کرد و هر ساله مشخص شود که چه مقدار کار در این عرصه انجام شده است.

امام جمعه قم با بیان این‌که حوزه ظرفیت‌های زیادی برای تحقق امر به معروف و نهی از منکر دارد، خاطرنشان ساخت: مدارس علمیه، سطوح عالی، مراکز تخصصی و فقهی، تربیون نماز جمعه و سایر عرصه‌های حوزوی به خوبی می‌تواند در این عرصه فعال‌تر شود و ما نیز باید یک افق و برنامه ۵ساله تعریف کرد و هر ساله مشخص شود که چه مقدار کار در این عرصه انجام شده است.

یادآوری می‌شود، در ابتدای این دیدار حجت‌الاسلام والمسلمین آشتیانی نیز در سخنانی گفت: برخی مسئولان به فکر چاره‌اندیشی در زمینه مقابله با بی‌حجابی و بدحجابی نیستند، نه کار می‌کنند و نه از کسانی که در این زمینه کاری انجام می‌دهند، حمایت می‌کنند.

دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر قم، هوشیار ی در برابر توطئه دشمنان را ضروری دانست و اظهار داشت: ترویج بی‌بند و باری در ایران به‌صورت گسترده در دستور کار دشمنان قرار گرفته است که باید نسبت به این توطئه هوشیار بود.

خبر

افتتاح بزرگ‌ترین

پایگاه جامع قرآنی جهان اسلام

آیین رونمایی از پایگاه جامع قرآنی با حضور رییس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی و مسئولان این مرکز و جمعی از قرآن‌پژوهان در غرفه علوم حوزوی نمایشگاه قرآن برگزار شد.

به گزارش خبرگزاری حوزه از تهران، رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی، ۳۱ اردیبهشت در مراسم رونمایی از پایگاه جامع قرآنی در نمایشگاه قرآن، در مورد تسلط فناوری‌های جدید از جمله بلاکچین در زندگی انسان‌ها سخن گفت.

هم چنین حجت‌الاسلام مرتضایی مدیرگروه قرآن مرکز نور نیز در ابتدای این مراسم، با بیان خصوصیات و ویژگی‌های پایگاه جامع قرآنی جهان اسلام، اظهار داشت: برای ایجاد این پایگاه سعی شده است، اکثر پایگاه‌های داخلی و خارجی را که در زمینه قرآنی فعالیت می‌کنند، مورد مطالعه، بررسی و شناسایی قرار دادند.

وی تأکید کرد: انتخاب عنوان بزرگ‌ترین پایگاه «پایگاه جامع قرآنی جهان اسلام» که برای این پایگاه انتخاب شده، فرمایشی نیست؛ بلکه با توجه به پایگاه‌های دیگر که در این زمینه فعالیت دارند، از گستردگی و جامعیت بی‌نظیری برخوردار است و قابل مقایسه با سایر پایگاه‌ها نیست.

حجت‌الاسلام مرتضایی گفت: تلاش شده با ایجاد این پایگاه قرآنی، تمام نیازهای یک کاربر قرآن‌پژوه اعم از کاربر عمومی، متوسط و یا متخصص رفع بشود و با این خصوصیت، این پایگاه راه‌اندازی شده و در اختیار کاربران قرآن‌پژوه و قرآن‌دوست قرار بگیرد.

وی ادامه داد: در این پایگاه برای مطالعات قرآن‌پژوهی کاربران، از سوره‌نامه، تفاسیر قرآن، ترجمه قرآن، احادیث تفسیری، اعلام قرآن، فرهنگ قرآن، اعراب قرآن و تلاوت قرآن طراحي و برنامه‌ریزی شده است.

مدیر گروه قرآن مرکز نور در پایان، بیان داشت: از ویژگی‌های این پایگاه جامع قرآن، سوره‌نامه است، برای کاربرانی که فرصت کافی ندارند. این، یک امکان جدیدی است که به‌صورت فشرده، خلاصه‌ای از فهرست موضوعی و محتوا و تفاسیر هر سوره، اطلاعاتی را کسب کند و این امکانات در هیچ پایگاهی وجود ندارد و ابداعی پایگاه جامع قرآن است.

گفتنی است، در پایان این مراسم، توسط حجت‌الاسلام والمسلمین شهرداری رئیس مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی از پایگاه جامع قرآنی رونمایی شد.

پایان قرن بیستم یکباره می‌بینید که هم فلسفه اجتماعی و هم فلسفه علوم اجتماعی توانستند سرفرازانه قد برافرازند و شما اینک هر چند وقت یک‌بار یا یک کار یا ترجمه جدید در این حوزه ها مواجه می‌شوید و لذا science دیگر رخت پرست و اساساً دیگر علم سیاست، چیزی جز نوعی فلسفه سیاسی نیست.

مدل‌های عقلانیت در عصر حاضر

در شرایط فعلی، مدل‌های مختلفی از عقلانیت وجود دارد. عقل تجربی خودش یک مدل از عقلانیت است، نه این‌که علم ناب باشد. در هابرماس، ما سه سطح و سه مدل با سه غرض عقل و عقلانیت داریم؛ یکی عقلانیت تجربی با غرض سلطه است، یکی عقلانیت ارتباطی با غرض مفاهمه و یکی عقلانیت انتقادی که غرضش رهایی‌بخشی است. بخش عقلانیت رهایی‌بخش می‌تواند کاری جایگزین کار حکمت سیاسی یا حکمت مدنی را انجام دهد؛ منتها در هیچ‌کدام از این‌ها عقل نور نیست، عقل در همه این‌ها بر ساخته و constructive و پدیده‌ای انسانی است.

در حکمت سیاسی و حکمت مدنی، از یونان تا جهان اسلام، حکمت فراسوی اراده و عمل جامعه است. حقیقت شروع به سخن‌گفتن از عدالت و چیزهای دیگر می‌کند و عمل در خدمت حقیقت است، اما در این عقلانیت‌های سه‌گانه، حقیقت در خدمت اراده است. در این سه چهار مدل عقلانیت ما سه چهار مدل اراده داریم و تمام این مفاهیم و معانی را اگر با تعبیر مارکسیستی‌اش بیان کنیم اصلاً ذات ندارد. علم ذات ندارد، عقل ذات ندارد. به تعبیر مارکسیست‌ها عقل صرفاً وسیله‌ای برای زندگی است و فلسفه آمده بود که جهان را بشناسد و حال این‌که انسان حیوان ناطق و عاقل نیست، انسان حیوان ابزارساز است و یکی از ابزارهایش هم عقل و علم است. انسان، عقل و علم را برای تصرف در جهان می‌سازد. اگر فکر کنید که عقلانیت و علم، خودش چیزی است، این «شیء وارگی» است و اگر در خدمتش قرار بگیرید، «از خود بیگانگی» است. به‌زعم مارکسیست‌ها این‌که ما خود را در خدمت مفاهیم عقلی وقف کنیم، مانند این است که فردی اسم فرزندش را رستم گذاشته و حالا می‌ترسد او را صدا کند، حالا آمده‌اید اسم این عقلی که صرفاً ابزار هست را حقیقت گذاشته‌اید و حالا می‌ترسید به حقیقت تجاوز کنید و تغییرش دهید! این حرف‌ها نیست. این عقل، صرفاً وسیله‌ای برای تسلط بر طبیعت و حقیقت بود و این همان عقل نیچهای است.

در واقع وقتی شما عقلانیت انتقادی دارید، می‌خواهید جلوی نوعی بیگانگی را بگیرید؛ چراکه این عقلانیتی که وسیله‌ای برای تصرف عالم بود را به اشتباه حقیقی دانستید و در خدمت آن قرار گرفتید. حالا عقلانیت انتقادی، کار رولکناونه بر شما انجام می‌دهد و به شما می‌گوید: این چیزی که اسمش را حقیقت گذاشته‌اید، صرفاً در خدمت اراده شما است و یا جمعی دیگر است، نه نیش از آن.

با این مبنا آیا بازگشت به سوی این‌که ما می‌توانیم به حکمت سیاسی جنبه تجویزی بدهیم، بازگشت به حکمت مدنی است؟ بازگشت به یک حقیقت است؟ و اصلاً به‌لحاظ منطقی گفتمان ایجاد می‌کند تا بعد هابرماس معتقد به آن باشد؟ یا همین گفتمان هم یک ابزاری است که او ساخته؟ با کدام منطق شما می‌خواهید با دیگری گفتمان کنید؟ و این اشکال، غیر از نقدهایی است که افثال مازکوزه و دیگران دارند که اصلاً مگر این عالم ایستاده که شما با آن گفتمان کنید؟ اصلاً مگر این عملی و شدنی است؟

علاوه بر این نقدها، مگر شما یک روشنفکر در خلأ-به تعبیر ما نهاییم- یا جایی آن بالا دارید که محل گفتمان است یا همه این‌ها در حاشیه اراده‌ای شماست؟ حکمت جدی این جهان، من و دیگری است، «کلمه سواء» و منترجم شما کجاست؟ چه کسی گفته که باید گفتمان کرد؟ فعلاً این اراده و منافع توست که گفتمان را می‌طلبید. چه کسی گفته است که آن طرف تقابل نیز این گفتمان را می‌خواهد؟ یعنی به‌لحاظ منطقی بحث هابرماس مشکلات فراوانی دارد. به نظر بنده این تراژدی و بحران است و این بحران، عریان‌شدن اراده‌ای است که بر علم غالب است و خلع کردن، همان علم است که به‌نوع آخرین زمانه‌ده عالم حقیقت در این جهان بود.

راه‌هایی را که کتاب‌های «احیای علوم اسلامی» و «تراژدی علوم سیاسی» دنبال می‌کنند، دیگر به‌هیچ‌وجه نه بازگشت به حقیقت است و نه منطق برای حقیقت می‌تواند بیابود، بلکه صرفاً نوعی فریب دیگر حقیقت است که در این‌جا رخ می‌دهد. اگر بخواهد بازگشت به سوی حقیقت باشد، باید ابتدا کاوش و داوری درباره عقل باشد. نکته‌ای که می‌خواستم بگویم این است که مسیر عقل و حکمت مدنی و سیاسی در جهان اسلام تا فارابی و ابن‌سینا و از ابن‌سینا تا صدرا ادامه پیدا می‌کند، و مسیری غیر از مسیر غرب مسیرا را طی کرده است. عقل مسئله همیشگی جهان اسلام بوده است و دستگاه‌های فلسفی مختلف را بر اساس تبیین‌هایی که نسبت به عقل دارند می‌توان از هم ممتاز کرد. فیلسوفان مسلمان در گفت‌وگویی با متکلمان و عرفا با چالش‌های زیادی مواجه می‌شوند، اما عقل در تمام این مسیرها بر توانمندتر از سابق سر بر می‌آورد. بدون آن‌که ارزش معرفتی و جهان‌شناختی خود را از دست بدهد و بازیچه و بر ساخته اراده فردی و یا جمعی انسان‌ها گردد. ما نیازمند این هستیم

که تطورات معنای عقل در جهان اسلام را دنبال کنیم تا آن‌که بتوانیم بدانیم حکمت سیاسی در حاشیه حکمت صدرایی و بحث‌های آن چه شکلی پیدا می‌کند.



در یک نشست علمی صورت گرفت

کتاب تراژدی علوم سیاسی و احیای علوم سیاسی زیر ذربین نقد

بخش مهمش هم هست جدا از حکمت مدنی نمی‌بیند. البته در جهان اسلام دورویکرد فقهی اهل سنت و تشیع را داریم که بحث خوبی درباره امنیت و عدالت و امنیت هست. عدالت در فقه شیعه و امنیت در فقه اهل سنت اهمیت دارد، اما باز هم فقه سیاسی اهل سنت به نحوی نیست که به سبک و سیاق ماکیاولی فقه شکل گرفته باشد؛ زیرا در فقه اهل سنت نیز سعی می‌شود تقدم امنیت بر عدالت بر مبنای فقه به عنوان یک حقیقت توجیه شود.

در این‌جا رعایت امنیت یک حقیقت و وظیفه دانسته می‌شود؛ یعنی بار امنیت در این مسئله سنگین‌تر می‌شود. در واقع نوعی ایدئولوژی و تعریف، ذیل پوشش حقیقت در این فقه شکل می‌گیرد. در نظرات ابن‌خلدون هم این مسئله هست. نباید فکر کرد که در جهان اسلام هم مثل جهان مدرن، ماکیاولی وجود دارد؛ زیرا در فقه اهل سنت مسئله امنیت تحت عنوان آن حقیقتی که فقه آن را می‌فهمد، توجیه می‌شود.

کنار رفتن عقل در جهان مدرن

در ماکیاولی، قدرت به‌طور مستقل موضوع معرفت می‌شود. آن‌چه در جهان مدرن و در علم سیاست رخ می‌دهد، دو حادثه است که یکی از آن‌ها، مربوط به کانت است که عقل را سوپرکتیو می‌کند؛ یعنی دیگر عقل آن نوری نیست که حقیقت را نشان بدهد. در این نگاه قوه‌ای که باید‌ها و نباید‌ها را تعریف می‌کرد و حس و تجربه را هم در جای خود معنا می‌کرد. حذف فقه در نیمه «قل عقل» به‌وسیله کانت رخ می‌دهد و در واقع این عقل به‌جای این‌که چراغ راه انسان باشد، حجاب او می‌شود. کنت هم در این جهت، کانتی است. او به تبع کانت هم عقل را ذهنی و سوپرکتیو و متعلق به فاعل شناسا-خودبنیاد- می‌داند و اسم فلسفه را هم به همین شناخت عقلی اختصاص می‌دهد و چون فلسفه در این معنا صرفاً یک کار عقلی است، به جهان خارج هم ارتباط ندارد و لذا عقل از محور شناخت حقیقت خارج می‌شود. از نظر کانت، هم عقل عملی و هم عقل نظری این‌گونه است و او از ناحیه عقل عملی که به اراده آزاد انسان باز می‌گردد، سعی می‌کند برای عقل نظری مسیری را تعیین کند؛ اما در نظر کنت هنوز اثری از حقیقت هست و او سعی می‌کند حقیقت را در شناخت حسّی و تجربی دنبال کند تا مستقل از عقل باشد. این استقلال است که دیری نخواهد پایید که دیری هم نپایید و صدسالگی دوام آورد.

کنت شناخت حسّی-تجربی را علم نامید و آن را در قیال فلسفه قرار داد. یا این مسئله، علم مبتنی بر یک عقل تجربی شد و عقل تجریدی و عقل عملی نیز گروهه متافیزیکی را از دست داد و در حوزه علوم سیاسی و اجتماعی نتیجه‌اش این شد که گزاره‌های علم و واجمله علوم سیاسی از «ارزش» جداست؛ یعنی گزاره‌های ارزشی باید و نباید نمی‌تواند در علم سیاست وجود داشته باشد. در دوران روشنگری عقل در معنای ماقبل کانتی‌اش، که معنای دکارتی دارد، هنوز نور است. اتفاقی که در دکارت رخ می‌دهد نوعی بازگشت به یونان است؛ یعنی وحی و شهود وحیانی بی‌ارزش می‌شود، اما عقل مفهومی هم چنان حضور دارد، حتی شما در لیبرال‌های متقدم، استدلال‌های عقلی را می‌بینید، اما در غلبه نگاه پوزیتیویستی بر علم، علم دیگر نباید از مسایل ارزشی صحبت کند و بخش سیاست و تدبیر، از دانش سیاسی خارج می‌شود و نقش ابزاری پیدا می‌کند. این مسئله در «دانشمند و سیاستمدار» و برخوردش را خیلی خوب نشان می‌دهد. در آگوست کنت، این لازمه چندان شفاف نیست و او پیام‌آورانه کار می‌کند، اما علم سیاست در معنای پوزیتیویستی آن باید این ابعادش را کنار بگذارد. این همان‌جایی است که علم سیاست در معنای جدیدش شکل می‌گیرد. ابتدا فکر می‌کند که علم می‌تواند کار فلسفه و علم اجتماعی و سیاسی در معنای عقلی و نقلی آن را انجام داده و به پیش ببرد، اما به سرعت می‌فهمد که این کار از علم جدید که به ابعاد تجربی محدود شده است، بر نمی‌آید و یک تراژدی پیش می‌آید. این تراژدی را اگر آقای ریچی در مورد علوم سیاسی بیان می‌کند،

کتاب‌های «تراژدی علوم سیاسی» نوشته دیوید ریچی (ترجمه حمید احمدی) و «احیای علوم سیاسی» اثر حسین بشیریه توسط حجت‌الاسلام والمسلمین حمید پارسانیا استاد حوزه و دانشگاه در یک نشست علمی مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

حجت‌الاسلام والمسلمین پارسانیا در نشست بررسی و نقد این کتاب گفت: آن‌چه مسئله دو کتاب است، تقریباً همان مسئله و یا بحران علوم اجتماعی و انسانی است و طرح این مسئله در حوزه علوم اجتماعی (که البته به‌صورت عام علوم سیاسی را هم در بر می‌گیرد) سریع‌تر از حوزه علوم سیاسی اتفاق افتاده است و در علوم سیاسی نیز توجه به این مسئله، نسبت به بقیه بخش‌های علوم انسانی نظیر علوم تربیتی خیلی زود تر رخ داده است و این بحران اساساً همان بن بست است که علم با آن مواجه شده است. این فراز و فرود در علوم اجتماعی و علوم سیاسی در حاشیه تحولات دیگری است که در حوزه «معنای عقل» و «معنای علم» به‌وجود آمده است. بنابراین اگر ما این بحث را ریشه‌یابی کنیم، آن وقت می‌توانیم بدانیم که برای راه‌حل و راهکار هم باید چگونه عمل کنیم و به کدام سمت برویم؛ و الا تا آن عقبه که منشأ این مباحث بوده تغییر جدی پیدا نکند، مسئله هم چنان ادامه خواهد داشت. حکمت سیاسی از یونان شروع می‌شود و بعد به جهان اسلام وارد می‌شود و در فارابی و ابن‌سینا به‌صورت فلسفه سیاسی و حکمت مدنی خصوصیات دیگری پیدا می‌کند، اما هم‌چنان شاکله کلی خود را دارد. شاکله این دانش غایت‌گراست و وظیفه تدبیر دارد، یعنی جنبه تجویزی و انتقادی هم دارد و اتفاقاً این مهم‌ترین بخش آن است؛ لذا اگر گفته می‌شود: تدبیر مَدَن، این در واقع اسم جزء بر کل است؛ یعنی از باب اهمیتی که این بخش دارد قرار است بقیه بخش‌ها در خدمت بحث تدبیر باشند. کلمه سیاست فقط به معنای قدرت که ما امروز به کار می‌بریم نیست، بلکه به معنای مدیریت و تدبیر است اما این مسئله در علم مدرن افول پیدا می‌کند.

تفاوت معنای عقل و حکمت سیاسی

آن چیزی که اجازه می‌دهد دانش و علم اجتماعی و مدنی، جنبه تدبیری داشته باشد و یا آن چیزی که تفاوت بین حکمت مدنی در یونان و جهان اسلام را سبب می‌شود، معنایی است که از «عقل» در این دو حوزه وجود دارد و این تفاوت هم به‌خاطر تغییر و تحولی است که در معنای عقل رخ داده است. عقل همان منبع معرفتی است که علم را تولید می‌کند و عقل در یونان و در جهان اسلام به عقل تجربی محدود نمی‌شود، بلکه عقل تجریدی را هم شامل می‌شود و عقل تجریدی را هم عقل متافیزیکی دارد و هم عقل عملی، یعنی بحث‌های تجویزی و انتقادی هم هویت عقلی دارند؛ لذا عقل با بعد متافیزیکی خودش غایت و مبدا را می‌شناسد و مقید به بحث‌های آژمون‌پذیر نیست. البته می‌گویم مقید نیست، اما نمی‌گویم در این دانش تجربه نیست. همین ارسطو می‌گوید: «من فقد حسا فقد فقد علماً»؛ یعنی کسی که حس نداشته باشد، علمی ندارد. نمی‌گوید که همه علوم به حس بازمی‌گردند، اما برخی از علوم حتماً به حس بازمی‌گردند.

فلسفه سیاسی، در یونان و در جهان اسلام به معنای علم سیاسی است؛ زیرا تقابلی بین science and philosophy نیست، تقابل بین این دو مربوط به قرن نوزدهم است. این دوگانگی را آگوست کنت پیش روی ما می‌گذارد و او معنایی از علم و فلسفه را ارائه می‌کند که پیشینه‌ای نداشته است. البته مسیری که کنت در تعریف علم و فلسفه طی می‌کند، همان مسیری است که تحولات عقل طی می‌کند و منبع معرفت‌شناسی او، این تعریف راقصا می‌کند.

تفاوتی که معنای عقل در جهان اسلام با یونان باستان دارد این است که در عالم اسلام، عقل یک منبع معرفتی است و وحی منبع معرفتی دیگری است که با عقل نسبتی دارد؛ البته عقل شهودی در یونان هم هست. سقراط دائماً از همین شهود خود نیز سخن می‌گوید و جان خود را هم به‌خاطر پیام الهه معبد دلفی از دست می‌دهد. یعنی در یونان باستان عقل، intellect است و در آن جنبه کلی و شهودی هم هست. این شهود در جهان اسلام دقیقاً تحت عنوان وحی پدید می‌آید و مسئله متفکران اسلام هم تبیین رابطه عقل و وحی است. وحی «عقل ناب» می‌شود که دیگر نیازی به استدلال و مقدمات هم ندارد و در وحی خود این عقل سخن می‌گوید. عقل مفهومی ذیل وحی است و در طول آن قرار می‌گیرد. وحی ناب، منبع و یا ابزار معرفتی دیگری می‌آورد که آن نقل است. نقل در خدمت عقل مفهومی قرار می‌گیرد، یعنی در خدمت فیلسوفی قرار می‌گیرد که با مفاهیم کار می‌کند و خود اهل شهود نیست، سنت‌گذار مدینه فاضله‌اش با عقل ناب است.

در غیاب رئیس اول و رئیس مماثل، یعنی در غیاب نبی و امام معصوم، عقل استدلالی، اجتهادی، استنباطی و مفهومی مرجعت پیدا می‌کند. عقل مفهومی از اثر آن وحی یعنی از نقل بهره می‌گیرد انسان است و عقلمش، عقلی که از حس استفاده می‌کند و تجربی است یا عقلی که تجریدی است و یا عقلی که از نقل استفاده می‌کند. این‌ها مسایل معرفتی هم در جهانی است که در آن وحی به‌عنوان یک منبع معرفتی است، رابطه عقل و نقل پررش همیشگی تاریخ اندیشه این جهان است. نقل در امتداد آن عقل ناب یعنی وحی است، و نقل نقش فعال‌تری را در مسایل تجویزی و انتقادی که همان فقه است ایفا می‌کند و در دام فقه، حکمت مدنی به‌وجود می‌آید. فارابی فقه را بخشی از حکمت مدنی می‌داند و ابن‌سینا هم این بخش از حکمت مدنی، یعنی بعد تجویزی و انتقادی آن را که



● حوزه و سنت‌های رایج در فرهنگ تبلیغی

در واقع حوزه یک فرهنگ تبلیغی دارد؛ یعنی مطالبی که هم در کتاب بود و هم استاد می‌گفت، حاکی از این است که در باب تبلیغ یک فرهنگ حاکم وجود دارد. قطع نظر از نیازهای جهان و قالب‌هایی که در تبلیغات در سطح جهان استفاده می‌شود و قطع نظر از مخاطب‌شناسی و نیز آن‌چه که امروز لازم است یک مبلغ داشته باشد. در حوزه‌های علمیه یک تاریخ ممتد و یک سری سنت‌های حاکم در تبلیغ وجود دارد که این سنت‌ها تبدیل به فرهنگ در تبلیغ شده‌اند. این‌که از فرهنگ بحث می‌کنیم، به این دلیل است که فرهنگ در بحث ما موضوعیت دارد. تمام برنامه‌ها و سازمان‌ها و مسایلی که در باب تبلیغ مطرح شده است، از آن فرهنگ تبلیغی سرچشمه می‌گیرند. تجربه‌ای را برای شما عرض می‌کنم تا دغدغه بنده را درک کنید، یادم هست از همان ابتدا استاد روی بیان شعر در سخنرانی برای ما تأکید می‌کرد و بعداز چند جلسه روی بحث شعر و نیز ابواب مختلف آن و روش القای شعر مطالبی مطرح می‌کرد. من یک آرژانتینی بودم و آن زمان تازه وارد حوزه شده بودم و با خودم می‌گفتم که شعر هیچ اهمیت و جایگاهی در فرهنگ کشور ما ندارد. من در عمرم شعر نخونده بودم. من آمده بودم تا به‌عنوان طلبه مطالب را یاد بگیرم و به آرژانتین برگردم؛ اما می‌دیدم که چندین جلسه در مورد شعر و شعرا و اهمیت شعر گذرانیدم. مشخص است که این نگاه، یک نگاه کاملاً سنتی و مبتنی بر فرهنگ حاکم این منطقه است. مثال دیگر این‌که امروزه مسایلی را به‌عنوان روش‌های مختلف تبلیغ می‌گذاریم؛ مانند فن خطابه که یکی از ارکان فرهنگ تبلیغ است و مشخص است که منبر هم یک سنت حاکم در فرهنگ تبلیغ است یا مداخلی و روضه‌خوانی یا قرائت قرآن؛ وقتی شما این‌ها را می‌بینید، متوجه می‌شوید که این‌ها اقتضانات یک مکان و زمان خاصی است. من به برخی از کشورها رفتم که در آن‌ها مسجد نداشتیم؛ لذا کارخودمان را از لابی هتل‌ها و یا قهوه‌خانه‌ها شروع کردیم. خوب آن‌جا مداخلی یا قرائت قرآن و یا روضه‌خوانی به چه دردی می‌خورد؟ پس اولین چیزی که من احساس کردم مورد نیاز است، این بود که نیاز داریم تا اقتضانات زمان و مکان در باب بین‌الملل را بشناسیم و بر طبق این اقتضانات و نیازها، یک فرهنگ نوین تبلیغی را معرفی کنیم.

● شناخت نیازهای دنیای معاصر و روش‌های نوین تبلیغی

امروز در باب تبلیغ سنت‌های جدیدی آمده که برخی از آن‌ها بر سنت‌های قبلی اضافه شده و برخی جایگزین سنت‌های قدیمی شده‌اند؛ اما این سنت‌های جدید هنوز در حوزه تبدیل به فرهنگ نشده‌اند؛ مثلاً اگر می‌خواهیم با رقبا کار کنیم، قبلاً در مقابل کلیساها مسجد می‌ساختیم و در مقابل سخنرانی کشیش یک روحانی سخنران می‌آوردیم و در مقابل کشیش‌های مسیحی که روزهای یک‌شنبه مراسم خودشان را برگزار می‌کنند، ما هم در روزهای جمعه خطبه می‌خوانیم. شما فضای رقبا را نگاه کنید. آن‌ها کاملاً در یک فضای دیگر زندگی می‌کنند؛ ولی ما در همان مسجد و خطبه جمعه و منبر و قرائت قرآن زندگی می‌کنیم. حجم تبلیغات خیلی زیاد شده است؛ در حالی که ما در همان حجم اولیه باقی مانده‌ایم. قالب‌های متنوع تبلیغی ایجاد شده‌اند و ما هنوز در همان قالب اولی باقی مانده‌ایم. این ممکن است بگوید حرف شما اشتباه است و ما امروز قالب‌های جدیدی مانند سایت‌های اینترنتی و رسانه‌هایی مانند ماهواره داریم و روحانیون ما در شبکه‌های اجتماعی فعال هستند. بله این‌ها وجود دارند؛ اما به‌عنوان مسایلی جزئی هستند و نه یک فرهنگ؛ زمانی شما می‌گویید: ما روحانیون متنوع، فعالیت‌های متنوع، قالب‌ها و روش‌های متنوعی داریم؛ خوب این صحیح است؛ اما آیا این تنوع و قالب، فرهنگ حاکم حوزه است؟ خیر آن‌چه که ما به‌عنوان فرهنگ تبلیغی می‌شناسیم، تدریس، تحقیق و تبلیغ به‌معنای سخنرانی است. می‌گوییم: ما هزار روحانی به فالان فقط فرستادیم؛ خوب برای چه فرستادید؟ برای سخنرانی و منبر، آیا برنامه‌ای داریم که مثلاً بگوییم: ما امسال دو هزار نفر را برای تبلیغ در شبکه‌های اجتماعی فرستاده‌ایم؟ یا دو هزار نفر را برای تبلیغ در ماهواره‌ها و کانال‌های تلویزیونی فرستاده‌ایم یا دو هزار فیلم ساخته‌ایم؟ پس این فرهنگ در حوزه وجود ندارد. از این جهت احساس می‌کنم، در ابتدای کار نیاز مبرمی به یک تحول فرهنگی به‌عنوان فرهنگ تبلیغی حاکم در حوزه نیاز داریم. تحولی که در حوزه مقام معظم رهبری در بحث آموزشی مطرح کردند تا این روش‌های نوین که دوره‌ها و سخنرانی‌های زیادی در مورد آن وجود دارد، به فرهنگ حاکم حوزه تبدیل بشوند؛ فرهنگ به این می‌گوییم که شما وقتی از شخصی در خیابان سؤال می‌کنید که کار یک روحانی چیست؟ پاسخ می‌دهد منبر و سخنرانی یا کتاب نوشتن؛ او می‌فهمد یک فرهنگی در حوزه وجود دارد که در همان بحث‌ها محدود می‌شود. ما باید به جایی برسیم که اگر از کسی پرسند کار روحانی چیست؟ بگوید کار روحانی فعالیت‌های سینمایی، فضای مجازی، نوشتن رمان و... است. امروز دنیا به این سمت حرکت می‌کند که عناوینی که به‌عنوان فرهنگ تبلیغ مطرح بودند، تغییر کرده‌اند و فعالیت‌های تبلیغی در فضای جدیدی انجام می‌شود. اگر بخواهیم یک بحث تطبیقی انجام بدهیم، کاملاً مشخص است که امروزه جریان‌ها و روش‌هایی که در جهان به‌عنوان تبلیغ دین وجود دارند، از تبلیغ سنتی فاصله زیادی گرفته‌اند.

● لزوم تحول در روش‌های سنتی تبلیغ در حوزه

امروزه بزرگ‌ترین مبلغ دین در دنیا هالیوود است؛ بیشترین آثار و محصولات، بیشترین ماندگاری، بیشترین تحولات، بیشترین نفوذ در فرهنگ‌ها، بیشترین تهاجم و ایجاد شبهات، بیشترین حملات به اسلام و

مسلمین و در یک کلمه مؤثرترین مبلغ دینی امروز در جهان هالیوود است. ما خیلی فاصله داریم، حوزه علمیه ما هنوز تأثیر سینما را درک نکرده است؛ برای ما هنوز خیلی مفهوم نیست که قضیه تبلیغات به چه صورتی مطرح می‌شود؛ از این جهت ما تا این مباحث را به‌عنوان فرهنگ تبلیغی حوزه مطرح نکنیم و این موضوعات تبدیل به فرهنگ نشود، همیشه عقب خواهیم بود. وقتی یک عنصری فرهنگ بشود، تمام موضوعات مرتبط با آن عنصر فرهنگی متأثر شده و دچار تغییر می‌شوند؛ به‌عنوان نمونه وقتی فرهنگ تبلیغ در حوزه منبر است، منبر چه عنصری لازم دارد؟ یک مسجد، یک منبر و یک روحانی سخنران نیاز دارد و یک بلیط هواپیما که این روحانی بتواند به آن مسجد برود و حقوقی هم باید به او بدهیم؛ یعنی امکانات همین‌ها هستند؛ ولی اگر حوزه بخواهد به این سمت برود که وارد مقوله سینما بشود و هالیوود شیعه را ایجاد کند، این‌جا دیگر امکانات و زمان برای آماده کردن این محصولات فرق می‌کند. من به این می‌گویم فرهنگ؛ یعنی عنصری که بتواند تمام این مسایل را متأثر کند؛ البته این یک هدف ایده‌آل بزرگی است که خیلی زمان می‌برد و زحمت زیادی دارد؛ اما باید از جایی شروع کنیم. پس هدف اصلی این بحث‌ها و این دغدغه‌ها و این مسایلی که راجع به تبلیغات است، رسیدن به آن هدف ایده‌آل است که همان ایجاد یک فرهنگ نوین تبلیغی در حوزه است. البته حرکت شروع شده است؛ اما در مهندسی فرهنگی کاری صورت نگرفته است؛ یعنی حرکت‌هایی به‌صورت فردی و ناشی از دغدغه‌های برخی از شخصای یا گروه‌ها شروع شده است؛ ولی حوزه، مدیریت حوزه، مراجع و مسئولان نشسته‌اند تا بگویند ما امروزه ما مورتی داریم و آن ما مورتی ایجاد یک فرهنگ نوین تبلیغی در حوزه و با اصلاح فرهنگ تبلیغی موجود در حوزه است.

● مهندسی فرهنگی در تحلیل روش تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ

در مهندسی فرهنگی دو مطلب بسیار مهم وجود دارد که باید از ابتدا روی آن کار بشود؛ یکی فرهنگ موجود و فرهنگی که در حال حاضر حاکمیت دارد و دوم فرهنگ مطلوب و نقطه ایده‌آلی که می‌خواهیم به آن برسیم. فرهنگ مطلوب و ایده‌آل را عرض کردیم و آن چیزی است که ما در میدان فرهنگی بهمانند رقیبایمان حضور فرهنگی داشته باشیم و روزی به آن برسیم که ما هم یک شبکه‌ای مانند سی‌ان‌ان و بی‌بی‌سی و این‌ها یک مرکز فیلم‌سازی مانند هالیوود داشته باشیم و... این ایده‌آل و مطلوب ماست و رسیدن به این هدف و نقطه ایده‌آل فقط با دغدغه، نیت پاک و برنامه‌ریزی ذهنی تحقق نمی‌یابد. رسیدن به آن اهداف، نیاز به یک مهندسی فرهنگی دارد؛ به این معنا که این مسئله باید به‌عنوان یک پروژه مطرح شود؛ حتی می‌توانیم یک کمیسیون فرهنگی برای اصلاح فرهنگ تبلیغی در حوزه ایجاد کنیم. وقتی به تاریخ تبلیغ نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که انگار خداوند نقشه‌ای برای مدیریت رشد و تطور حرکت تبلیغی داشته است؛ وقتی روش تبلیغی پیامبر اکرم ﷺ را نگاه می‌کنید، می‌بینید که سه سال اول تبلیغ ایشان به‌عنوان دعوت سری معرفی شده است، خوب این یک نقشه اره است؛ یعنی خداوند می‌خواهد به ما بگوید شما باید در مهندسی جدید فرهنگی در ابتدا به‌صورت چراغ خاموش حرکت کنید و اسلام را در قلوب برخی از افراد قرار دهید و بعداز آن نوبت به «وَأَنْزِلُ عُثْمِرْتَكَ الْأَقْرَبِينَ» می‌رسد و بعداز آن نیز نوبت به دعوت علنی می‌رسد تا کار به تشکیل دولت اسلامی برسد و به سمت بین‌المللی شدن اسلام حرکت کند؛ مانند جنگ‌ها و نامه‌هایی که برای سلاطین کشورها ارسال شد. همه این‌ها اصطلاحاتی است که در فرهنگ تبلیغی انجام شده است. انمه اظهار ﷺ هم به‌نوعی استراتژی تبلیغی و روش‌های تبلیغی را مدیریت می‌کردند که این اصلاحات در آن‌ها هم وجود داشت.

● لزوم تحول در عناصر فرهنگ

به مجموعه اعتقادات، هنجارها، مدل‌های رفتاری، نمادها و ارزش‌ها، عناصر فرهنگ می‌گوییم و تحول فرهنگی عبارت است از تحول در این عناصر. برخی از این عناصرباطنی هستند و زیاد دیده نمی‌شوند و برخی دیگر از آن نمادها ظاهری هستند؛ حالا وقتی می‌خواهیم یک تحول فرهنگی ایجاد کنیم، اول از ظاهر شروع می‌کنیم؛ یعنی مثلاً می‌خواهیم یک دختری حجاب از فردا با حجاب باشد؛ چراکه قائل هستیم که فاصله بین بی‌حجابی و حجاب فقط یک روسری است. با این‌که تفاوت فرهنگی بسیار عمیق‌تر است و این‌جا عفت در ارزش‌ها، بحث روابط محرم و نامحرم، بحث رضای خداوند متعال و دنیا و آخرت مطرح است و مسایل زیادی وجود دارد. وقتی می‌خواهیم از تحول فرهنگی صحبت کنیم، می‌گوییم که شما باحجاب باشید و روسری به سر کنید. آیا این تحول فرهنگی است؟ یعنی اگر توانستیم در یک روز یک خانم بی‌حجاب را تبدیل به خانمی محجبه کنیم، توانسته‌ایم تحول فرهنگی به‌وجود بیاوریم؟ این یکی از اشتباهاتی است که مشاهده می‌کنیم؛ لذا می‌بینیم که شخصی بعداز سال‌ها تدین یک سفره به اروپا می‌رود و سه ماه بعد ملحد و فاسق می‌شود. علت این است که تدین او مبتنی بر عمق فرهنگی نبوده است و فقط قالب ظاهری از تدین بوده است و این یک مشکلی است که در تبلیغ و تحولات فرهنگی داریم. مشکل ما در تحولات حوزه این است که فرهنگ سازمان‌های ما گزارشی است و دائم می‌خوانند از تحولات گزارش ارائه بدهند؛ بنابراین یک تحول ظاهری ایجاد می‌کنند و به‌عنوان تحول فرهنگی در گزارشات می‌آوردند.

● ایجاد تحول نوین در فرهنگ تبلیغ بین‌الملل

در مهندسی فرهنگ تبلیغ نگاه و قالب کارها باید بین‌المللی باشد. اسم بین‌المللی را روی مراکز و مؤسسات گذاشتن که کار راحتی است؛ اما در

بخش پنجم

● گفت‌وگو

مهندسی فرهنگی و ضرورت تحول

در فرهنگ تبلیغ بین‌الملل

سلسله گفتارهایی از دکتر سهیل اسعد ، مبلغ و فعال فرهنگی در عرصه بین‌الملل

بررسی شناخت نیازهای دنیای معاصر و روش‌های نوین تبلیغی با سنت‌های رایج در فرهنگ تبلیغی حوزه و لزوم تحول در روش‌های سنتی تبلیغ در گفت‌وگوی هفته‌نامه افق حوزه با اندیشمند و مبلغ آرژانتینی دکتر سهیل اسعد

باطن قضیه از لحاظ اعتقادات، ارزش‌ها، مقررات و قوانین اگر ما از باورها، ارزش‌ها و مقررات شروع نکنیم، نمی‌توانیم به یک تحول در فرهنگ تبلیغی بین‌المللی در حوزه برسیم؛ بنابراین می‌بینید که گاهی اوقات شخصی در یک قالب ظاهری بین‌المللی قرار می‌گیرد؛ اما خودش بسیار قومی و سنتی است. وقتی که یک مبلغ در جایی مستقر است که خیری از مساجد و مراکز دینی نیست، مجبور می‌شود که با استفاده از شرایط مکانی تبلیغ خود را انجام دهد؛ گاهی در یک مغازه یا منزل و گاهی هم در یک رستوران و دیگر مکان‌ها. دوستانی که در این شرایط تبلیغی قرار داشتند، می‌گفتند که ما بعد از این تجربه دیدیم و متوجه شدیم که این کار لذت بیشتری هم دارد. وقتی با کسی در قهوه‌خانه صحبت می‌کنیم، مخاطب ما بسیار راحت‌تر است و قلبش را باز می‌کند و گفت‌وگوها گاهی چند ساعته می‌شود و برای گفت‌وگوهای دیگری هم از ما دعوت می‌کنند؛ در حالی که در مسجد این فضا را نداریم و قداست مسجد قدری مخاطبان را محدود می‌کند و فقط گوش می‌دهند. یادم هست وقتی برخی مراکز را تأسیس می‌کردیم، هنگامی که افراد وارد این‌گونه مراکز، مثلاً مصلی می‌شدند، فضا آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌داد و هنگامی که بیرون می‌آمدند، فضای گفت‌وگو تغییر می‌کرد و خیلی راحت‌تر صحبت می‌کردند و گاهی سوالات عجیب و غریب می‌پرسیدند. متوجه شدم که فضا در امر تبلیغ بسیار اهمیت دارد. تحول و تغییر فرهنگی فقط فهمیدن قضیه در همین بحث‌های ظاهری نیست و نمی‌توان به این‌ها اکتفا کرد. گام بعدی تلاش در جهت عمق بخشی به فرهنگ است، در اسپانیا ضرب‌المثلی داریم که می‌گوید: میمون حتی اگر با ابریشم پوشانده شود، باز هم میمون است. گاهی تغییر ظاهر تبلیغ اضافه شود، می‌تواند مجمع اسلامی یا مجمع بین‌المللی اسلامی تفاوتی ایجاد نمی‌کند؛ یعنی کلمه، محتوا را عوض نمی‌کند. ما باید از محتوا شروع کنیم؛ باید اعتقادات طلاب حوزه نسبت به روش‌های تبلیغی تغییر پیدا کند و ارزش‌های روش نوین تبلیغی تغییر کند. الان می‌گوییم: منبر مقدس است و درست است. اگر من بتوانم توسط اینترنت هزار نفر را شیعه کنم، آیا اینترنت مقدس نیست؟ من به این می‌گویم تحول فرهنگ نوین تبلیغی.

● تبلیغ هدفمند و لزوم تحول در برنامه‌ریزی آموزشی حوزه

تا نظام آموزشی درک نکند که امروز فضای تبلیغ به سمت دیگری رفته است و ما حتماً باید در این فضای جدید حضور جدی داشته باشیم و این حضور فعال باید تبدیل به فرهنگ بشود، به جایی نمی‌رسیم. فقط همان تغییر قالب‌ها و ظاهر را شاهد خواهیم بود. بله سازمان‌ها، برنامه‌ها و حتی مبلغان بین‌المللی داریم؛ ولی کمتر به نتیجه خاصی رسیده‌ایم؛ از این جهت تمام تلاش ما باید برای ایجاد تحول در فرهنگ تبلیغی حوزه باشد و برای این‌که عناصر جدیدی به روش‌های سنتی تبلیغ اضافه شود، باید از اعماق فرهنگ شروع کنیم و به این نتیجه برسیم که روحانی و عالم بفهمد که اگر منبر نرفت و با رایانه کار کرد، فضای مجازی هم امروزه از منبر مهم‌تر است و با به‌اندازه منبر اهمیت دارد و این، تجربه شخصی من است. من اصالتاً منبری هستم و کار من در اصل همیشه در منبر و مسجد بوده است و هیچ‌گاه این فعالیت را رها نمی‌کنم؛ چراکه قائل به اهمیت و ضرورت آن و برکات آن هستم؛ ولی وقتی بحث رسانه‌ها را به روش خودم اضافه کردم، تحول عجیبی را شاهد بودم. شما اگر خیلی فضا را بشنید، روزی پنج‌جا منبر می‌روید و سر جمع مثلاً هزار نفر حرف شما را گوش می‌دهند. ما یک مستند ساختیم که ظرف چند روز نیم‌میلیون نفر از آن بازدید کردند. از لحاظ کمی و کیفی و از لحاظ ماندگاری هم بین منبر و آن کار در فضای مجازی، فاصله زیادی وجود دارد؛ وقتی شما مستندی می‌سازید و آن را در فضای مجازی قرار می‌دهید، برای همیشه ماندگار است؛ اما سخنرانی ظرف بیست دقیقه تمام می‌شود و به‌سرعت از حافظه افراد خارج می‌شود. از این جهت من احساس می‌کنم، روش‌های نوین مانند رسانه‌ها هم از تلویزیون، سینما، روزنامه، سایت‌های اینترنتی و شبکه‌های مجازی باید تبدیل به فرهنگ تبلیغی حوزه بشوند. طبیعی است که برای این‌که بتوانیم این را تبدیل به فرهنگ کنیم، نیاز به یک برنامه‌ریزی داریم که بتواند در تمام ابعاد حوزه حاکمیت پیدا کند؛ یعنی اگر مسئولین حوزه و سازمان‌های حوزوی و مدارس این مسئله را درک نکنند و فقط طلبه‌ها این مسئله را درک کنند، فایده‌ای نخواهد داشت. این حرکتی است که باید در همه سازمان‌ها و شخصیت‌ها و مدارس تسری پیدا کند. نباید کسی مجبور بشود، از مدرسه خارج شود و به آموزشگاه خاصی برود تا کامپیوتر یا زبان یاد بگیرد و... این آموزشگاه‌های خاص و فضاهای خاص باید تبدیل به فضای حوزه بشود و هر مدرسه‌ای باید این مسایل را در شکل و بافت و هیأت خودش به‌عنوان مواد و مهارت‌های اصلی برنامه‌ریزی آموزشی داشته باشد که هنوز حوزه به‌صورت جدی و روشمند به آن سمت حرکت نکرده است. اگر طلبه‌ای بخواهد در میدان بین‌المللی کار کند، مجبور است که از حوزه خارج بشود و وارد فضاهای دیگری مانند فضاهای رسانه‌ای و هنری بشود.

● هنر مهم‌ترین و مؤثرترین ابزار تبلیغ در عرصه‌های بین‌الملل

مظلوم‌ترین مقوله‌ای که امروزه به‌عنوان ابزار مهم تبلیغ در حوزه داریم، بحث هنر است. چطور هنر وارد حوزه نشده است؟ در حالی که هنر، یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین ابزارهای تبلیغی در دنیا است. رقبای ما پنجاه سال است که در زمینه هنر کار می‌کنند. چهل سال است که در زمینه رسانه و سی سال است در زمینه ماهواره کار می‌کنند و ما همیشه عقب هستیم؛ از این جهت مهم است که به‌نحوی وارد این مقولات بشویم.

آیت‌الله‌العظمی حکیم در دیدار طلاب حوزه قم

● طلاب با التزام به موازین شرعی

تأثیرگذار باشند



حضرت آیت‌الله سیدمحمد سعید حکیم طلاب را به آراستگی به اخلاق نیکو توصیه کردند و گفتند: با مردم با محبت و تواضع تعامل کنید و از خود بزرگی بینی، خودپسندی و منافع‌آنی که منجر به جدایی شما از جامعه و وظیفه آنان می‌شود، دوری کنید. به گزارش خیرگزاری حوزه، حضرت آیت‌الله سیدمحمد سعید حکیم از مراجع نجف اشرف، ۳۱ اردیبهشت در دیدار جمعی از طلاب حوزه علمیه قم، طلاب را به آراستگی به اخلاق نیکو که برگرفته از سیره معصومین علیهم‌السلام است توصیه کردند و گفتند: با مردم با محبت و تواضع تعامل کنید و از خود بزرگی بینی، خودپسندی و منافع‌آنی که منجر به جدایی شما از جامعه و وظیفه آنان می‌شود، دوری کنید.

معظم‌له طلاب علوم دینی را به توجه کامل به فرهنگ اهل بیت علیهم‌السلام و آشنایی با سیره مبارک و رفتار استوار آنان دعوت کردند و از آنان خواستند: با اهل بیت علیهم‌السلام در ارتباط باشند، فرهنگ آنان را در بین مردم نشر دهند، حلال و حرام خدا را بیان کرده و خود به آن عمل کنند تا با التزام به موازین شرعی تأثیرگذار باشند.

تولیت حرم مطهر امام حسین علیه‌السلام

● آیت‌الله‌العظمی سیستانی

از همه مردم عراق حمایت می‌کنند

حجت‌الاسلام والمسلمین شیخ عبدالمهدی کربلایی گفت: حضرت آیت‌الله سیستانی ما را به تعامل یکسان با تمامی اقشار مردم عراق و دفاع از حقوق آنان توصیه می‌کنند.

به گزارش خیرگزاری حوزه، «تردن دویس» سفیر نیوزلند در عراق با شیخ عبدالمهدی کربلایی نماینده آیت‌الله سیستانی و تولیت حرم امام حسین علیه‌السلام دیدار کرد. شیخ کربلایی در این دیدار اشاره کرد: حضرت آیت‌الله سیستانی صاحب فتوای جهاد کفایی، به خانواده‌های مناطقی که توسط داعش اشغال شده بود، کمک لجستیکی کرده و همیشه به همزیستی مسالمت‌آمیز میان اقشار مختلف جامعه عراق توصیه می‌کنند.

نماینده آیت‌الله سیستانی موضوع نخست‌ وزیر نیوزلند در قبال قربانیان تورسیم در آن کشور را تعاملی انسانی دانست که همه ادیان آسمانی به آن دعوت می‌کنند.

وی افزود: ما نه‌تنها با سخن بلکه با عمل برای حفظ وحدت ملت عراق تلاش می‌کنیم، لذا آیت‌الله سیستانی امروز از همه مردم عراق حمایت می‌کنند و نمی‌پذیرند که کسی سخن افراط‌گرایانه بگوید.

● وقوع بیش از ۵۰۰ حمله ضداسلامی

در آمریکا در سال جاری میلادی

دیده‌بان اسلام‌هراسی در آمریکا موفق به شناسایی بیش از ۵۰۰ حمله ضداسلامی علیه مسلمانان در آمریکا از زمان آغاز امسال بوده است که احتمالاً یک تخمین بسیار پایین است.

به گزارش خیرگزاری حوزه به نقل از دلیلی بسیت، از دو ماه پیش که یک مهاجم حامی برتری نژادسفيد در مساجد کرایست چرچ در نیوزیلند که منجر به کشته شدن ۵۱ نمازگزار شد، مسلمانان آمریکا با تهدیدهای زیادی روبه‌رو شده‌اند. یک آتش‌سوزی در مسجد کالیفرنیا مرتبط با حمله نژادپرستان بود که به کیسه‌ای نیز حمله کرده بودند. ۱۲ می برابر با ۲۲ اردیبهشت نیز مسجد نیویورک در ایالت کننیکت آمریکا در شعله‌های آتش سوخت. ۱۶ می برابر با ۲۶ اردیبهشت نیز در کوئینز نیویورک در سخنرانی ضداسلامی به مسجد حمله شد. روز دوشنبه نیز یک مرد فلوریادایی به جرم تهدید به مرگ مسلمانان و حمله به مسجد توسط پلیس دستگیر شد.

عباس بزرگر مدیر تحقیقات ملی و حمایتی در شورای روابط اسلامی آمریکای (کایر) در همین باره افزود: هنوز چیزی از آغاز سال گذشته که بیش از ۵۰۰ برخورد ضداسلامی با آزار و اذیت مسلمانان در سال اخیر به ما گزارش شده‌اند. این گزارش بسیار اولیه است و لذا اعتقاد دارم که برآورد بسیار کمی از آنچه در سراسر کشور اتفاق می‌افتد داده می‌شود.



کانال هفته‌نامه افق حوزه

در پیام‌رسان‌های

سروش و ایتا

@ofogh_howzah

افروز

هم چنین حجت‌الاسلام والمسلمین فاضری مسئول تحقیقات علمی درباره تأثیرات مهم مباحث فقه معاصر در زندگی اجتماعی و حکومت مطالبی ارائه نمود و پیشنهاد داد: خروجی دروس خارج در قالب مقالات علمی در دسترس جامعه و اهل علم قرار گیرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین نظری مسئول بخش آموزش نیز، درباره برنامه‌های جدید مدیریت سطح عالی، هم چون اجزایی نمودن برنامه‌های تقریرات و تحقیقات توضیحاتی ارائه کرد.

در ادامه حجت‌الاسلام اخلاقی کارشناس لجنه‌های علمی فقه معاصر هم گزارشی از جلسات با نمایندگان اساتید فقه معاصر دروس خارج و کارگروه‌های سه‌گانه آنان؛ کارگروه مطالعات محتوایی، مدیریتی و مهارت‌افزایی ارائه نمود.

حجت‌الاسلام والمسلمین رسا مسئول لجنه علمی آیت‌الله فقیهی نیز، روند برنامه‌ها و تحقیقات استاد و اعضای لجنه را تبیین کرد و دقت در آخرین دستاوردهای علمی اندیشمندان جهان در زمینه موضوع یا سبایل مورد تحقیق و التزام بر روش اجتهادی را به‌عنوان دو عنصر محوری فقه معاصر آیت‌الله فقیهی و لجنه علمی وی معرفی کرد.

وی بیان کرد: روش درس استاد این‌گونه است که در خلال مباحث اصلی، مسایل مرتبط معاصر را نیز بررسی می‌کند.

گفتنی است، در این جلسه، حجج اسلام عرب نماینده استاد ترابی شهرضایی، دبناروندزاده نماینده استاد خاتمی، قطبی نماینده استاد شعبی و بنیادی نماینده استاد فقیهی نیز حضور داشتند و مطالبی را بیان کردند.

علمیه قم، ضمن تقدیر و تشکر از آیت‌الله فقیهی به‌خاطر حمایت‌های معنوی، هماهنگی و همدلی با برنامه‌های پژوهشی سطوح عالی و خارج و فقه معاصر، گزارشی کوتاه و اجمالی از روند فعالیت‌های مرتبط با دروس خارج فقه معاصر ارائه نمود.

وی، با تأکید بر شناسایی حداقل ۱۹ درس خارج فقه معاصر و ۱۲ لجنه علمی اساتید دروس خارج، ایده تولید و انتشار نشریه فقه معاصر مطرح و بیان کرد: در حال حاضر سامانه تقریرات دروس خارج برای دسترسی همگان فراهم شده است.

آیت‌الله فقیهی نیز در این دیدار، ضمن تقدیر از آیت‌الله اعرافی مدیرحوزه‌های علمیه و حجت‌الاسلام والمسلمین حامدی مدیریت سطوح عالی و خارج حوزه علمیه قم، به‌خاطر رویکردهای فعال و ارتقایخش، فعالیت‌های مرتبط با پژوهش سطوح عالی و خارج را به‌عنوان نشانه‌های ارتقا و موفقیت مدیریت حوزه معرفی کرد.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، برنامه مشاوره علمی– تربیتی را بسیار مفید قلمداد کرد و حضور حداکثری طلاب در جلسات مشاوره را نیازمند برنامه‌های تشویقی و تدابیر خاص دانست.

این استاد سطوح عالی و خارج حوزه پیشنهاد کرد: برای اجتناب از کارهای تکراری و اتلاف زمان، مناسب است که بین مؤسسه‌ها هماهنگی برقرار شود و سازوکاری فراهم گردد تا همه اساتید و مؤسسات از فعالیت‌ها و دستاوردهای یکدیگر آگاه شوند.

وی افزود: موضوعات متلابه را زودتر به اساتید بدهید تا در آن رابطه کار کنند و نیز، موضوعات پایان‌نامه‌ها را طبق نیازسنجی‌های به‌عمل آمده خودتان، برای طلاب ارائه کنید.



آیت‌الله فقیهی تأکید کرد

ضرورت هماهنگی مراکز و مؤسسات علمی جهت دوری از موازی‌کاری

مسئولان مدیریت سطوح عالی و خارج حوزه علمیه قم، ۳۰ اردیبهشت با آیت‌الله محسن فقیهی از اساتید دروس عالی و خارج حوزه علمیه قم دیدار کردند.

در ابتدای این دیدار و هم‌اندیشی که در مؤسسه فقهی دارالفتلین برگزار گردید، حجت‌الاسلام والمسلمین هاشمی تنکابنی معاون پژوهش سطوح عالی حوزه

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: برای اجتناب از کارهای تکراری و اتلاف زمان، مناسب است که بین مؤسسه‌ها هماهنگی برقرار شود و سازوکاری فراهم گردد تا همه اساتید و مؤسسات از فعالیت‌ها و دستاوردهای یکدیگر آگاه شوند.

به گزارش خبرگزاری حوزه، معاونت پژوهش و برخی

ادامه از صفحه ۴

آیت‌الله طالقانی از من خواستند که به نمایندگی از ایشان به طالقان بروم

آیت‌الله طالقانی نزدیک اربعین سال ۵۷ که دو سه ماه به پیروزی انقلاب اسلامی مانده بود، از زندان آزاد شده بود.

دو روز به اربعین مانده بود که پیغام داد تا به دیدنشان بروم؛ چون مردم طالقان از آیت‌الله طالقانی خواسته بودند تا در ایام اربعین به طالقان بروند و سخنرانی کند؛ ولی ایشان به‌خاطر مشکلاتی که برایشان در زندان پیش آمده بود، اصلاً برایشان مقدر نبود، لذا از من خواست تا به جای ایشان و به‌عنوان نماینده ایشان به طالقان بروم. من گفتم؛ دوستان دیگری هم هستند و من لیاقت آن را ندارم که نماینده شما باشم. بفرمایید تا شخص دیگری برود که ایشان گفت: نه باید خودت بروی.

شب اربعین من به طالقان رفتم و فردای آن روز اجتماع خیلی عظیمی در طالقان جمع شد. عده‌ای برای دیدن ایشان آمده بودند و خیر نداشتند که آیت‌الله طالقانی نیامده است.

ما را تعداد کمی از افراد می‌شناختند؛ ولی استقبال گرمی از ما شد و حتی در بخشی از مسیر، ما را روی شانه‌شان گرفتند. مسایلی که آقا سفارش فرموده بودند را آن‌جا بیان کردم.

■ **آیت‌الله طالقانی شهید نواب را به کدام روستای طالقان فرستادند؟**

■ شهید نواب با هماهنگی آیت‌الله طالقانی، به طالقان آمده و آن‌جا پنهان شده بود. در طالقان روستایی به‌نام ورکش وجود دارد که این روستا، در میان ۷۸ پارچه آبادی این منطقه نمونه است. در حال حاضر نیز در مسایل مذهبی سرآمد دیگر روستاهاست و شهدای زیادی را در دوره انقلاب و دفاع مقدس به نظام تقدیم کرده است. اغلب اهالی آن روستا سید هستند و اصالت مذهبی خوبی دارند.

البته من شهید نواب را ندیدم، ولی خاطره‌ای را پدرم از ایشان نقل می‌کند که شهید نواب مریض شد و چند روز نمی‌توانست بلند شود. بعد که حال ایشان بهتر شد به مردمی که به عبادت ایشان می‌رفتند، می‌گفت: دیدید پسرعموها! نزدیک بود مانند پیرزن‌ها در رختخواب بمریم. به ایشان گفتمند: مگر چه اشکالی دارد که این‌طور بمریمی؟ گفت: نه، برای مرد ننگ است که در رختخواب بمرید، مرد باید در راه خدا شهید شود.

از خصوصیات دیگر ایشان که ابوی تعریف می‌کرد، این بود که ایشان هر صبح برای نماز صبح بیدار می‌شد و با صدای بلند و با حالتی خاص اذان می‌گفت.

■ **با توجه به این‌که شما از مبارزان انقلاب بودید و به‌نوعی شما و امثال شما کشور را از سلطه شاهنشاهی که تفکر غربی داشت، نجات دادید و وارد مجلس شورای اسلامی شدید و اهداف خود را ادامه دادید، امروز احساس می‌شود، این مجلس با طرح‌هایی هم‌چون FATF و پارامو کشور را به سمت آن تفکر غربی**



در گفت‌وگو با یک مبارز انقلابی بررسی شد

از شکنجه ساواک

تا ماجرای تحصن در مدرسه فیضیه

یکبار در مجلس سوم دیدم نماینده‌ای همین‌طور که داشت مطالعه می‌کرد، با

روزنامه‌اش بلند شد و به طرحی رأی داد. به او گفتم فهمیدی چی بود؟ گفت نه؛ گفتم: این خلاف بود. گفت: باید رأی می‌دادم و گرنه خط به هم می‌خورد، من به‌خاطر خط رأی دادم. باید باور کنیم که متأسفانه حرف اول را پول می‌زند. در همین انتخابات نهم و دهم دیدم که برخی میلیاردری خرج کردند. مگر مجلس چقدر حقوق می‌دهد؟ حتی اگر همه حقوقشان را کنار هم بگذارند و هیچ نخورند این قدر نمی‌شود که برای تبلیغات هزینه کرد.

نمایندگی، گرفتاری و خرج دارد. من خودم در زمان نمایندگی چهارتا دفتر داشتم. بنده خیلی از اوقات برای رسیدگی به بعضی از فقرا، از حقوق شخصی خودم هزینه می‌کردم؛ ولی حالا دیده می‌شود که بعضی از نماینده‌ها ویلاها، ماشین‌ها و زندگی آن‌چنانی دارند. با کمال تأسف باید گفت که این امر آن‌قدر هم روشن است که حتی افراد عادی جامعه هم متوجه شدند. چندی قبل قرار بود، یکی از وزرا استیضاح شود، ظهر خبر دادند که امضاها را پس گرفتند. بعد هم اعلام کردند که به‌طور کلی تا آخرین دوره مجلس تمام استیضاح‌ها پس گرفته شد. آن‌وقت مردم عادی در کوچه و خیابان از من سؤال می‌کنند، در مجلس چه خیراست که امضاها را پس می‌گیرند؟ یعنی چه؟

باید برای مجلس و ریاست جمهوری افرادی انتخاب شوند که در مسیر ولایت و نظام باشند. در کارهای کلیدی هم همین‌طور؛ مثلاً وزیری که می‌خواهد معاونانش را انتخاب کند یا وزیر کشور می‌خواهد استانداران را انتخاب کند، همه باید دقت کنند، افراد متمهه‌د به انقلاب و نظام را انتخاب نمایند. این مردم انتقاد و اعتراض دارند؛ ولی به نظام، رهبری و انقلاب‌شان اعتقاد دارند. مردم ما از کمبود نمی‌نالند، از تبعیض می‌نالند. اگر برای هیچ کسی نباشد،

است. در یونان میدانی است به نام آمونیا که همه مسلمانان روز چهارم یا پنجم محرم آن‌جا جمع می‌شوند و با بیرق، دسته و همه تشکیلات عزاداری می‌کنند. به من گفتند: باید یکی از سخنران‌ها شما باشید. اولین سخنران رهبر مسلمان‌های آن‌جا بود. بعد رهبر شیعیان پاکستان صحبت کرد و بعد نوبت من شد که یک ربع صحبت کردم و مترجم آن را به زبان یونانی ترجمه کرد.

بعد به طرف میدان دیگری راه افتادیم. پلیس هم خیلی زیبا همکاری کرد و مردم یونان هم از این منظره‌ها عکس می‌گرفتند.
■ **با توجه به این‌که جناب‌عالی مدیرکل حوزه ریاست مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی هستید، درباره فعالیت‌ها و کنفرانس‌های مجمع نکاتی را بفرمایید.**

■ کنفرانس‌های زیادی در داخل و خارج کشور برگزار می‌شود ولی عده کار مجمع تقریب، برگزاری کنفرانس وحدت است که در ایام هفته وحدت و میلاد پیامبر اکرم ^{صلی الله علیه و آله} در سالن اجلاس سران تشکیل می‌شود. امسال باتوجه به وضعیت بودجه و مباحث اقتصادی، خیلی‌ها آمدند و به آیت‌الله اراکی اصرار کردند که شما امسال کنفرانس را برگزار نکنید. دولت هم خیلی مایل نبود که برای برگزاری این کنفرانس کمکی داشته باشد. معاون امور مالی و اجرایی چندین بار راپزنی کردند و این طرف و آن طرف رفتند؛ ولی موفق نشدند.

چهار پنج روز به زمان برگزاری کنفرانس مانده بود که پیامی از طرف دفتر رهبر معظم انقلاب آمد که کنفرانس را باید حتماً برگزار کنید و حتی محکم‌تر از سایر‌های قبل. با پیام حضرت آقا، همه حساسی جان گرفتند. سال‌های قبل تعدادی از مدعوین نمی‌آمدند؛ ولی امسال ۴۰۰ نفر دعوت شدند و هر ۴۰۰ نفر به کنفرانس آمدند. میهمان‌های داخلی از اهل سنت هم داشتیم. چیزی حدود ۸۰۰–۷۰۰ نفر میهمان داشتیم و خیلی هم زیبا برگزار شد.

در فواصل این سه روز کنفرانس، ما تقریباً حدود ۱۵ کمیسیون مختلف داشتیم و کمیسیون‌ها هم کارایی و انعکاس خوبی داشتند. نکته عجیب این بود که کمیسیون‌ها به‌قدری شلوغ بود که برخی شرکت‌کنندگان سرپا می‌ایستادند و جایی برای نشستن نداشتند؛ در حالی که در سال‌های گذشته اصلاً به این شکل نبود. در کنار این کمیسیون‌ها، ما مراسم چهل سالگی انقلاب را هم داشتیم. کنفرانس در دو مقطع برگزار شد. قرار شد تکفل شهدای راهپیمایان العوده (بازگشت) در فلسطین که جمعه‌ها برگزار می‌شود و شهید هم می‌دهند، با مجمع تقریب باشد.

این موضوع انعکاس بیرونی خوبی داشت. هم چنین با آقای ولایتی هماهنگ شد و قرار شد، این افراد مریض‌هایشان را به ایران آورده و درمان کنند که این مطلب نیز خیلی انعکاس خوبی داشت. کار دیگری که در جلسه اختتامیه انجام شد، دعوت و تجلیل از پدر و مادر شهیدان رزان خانم پسرستانی بود که در فلسطین به شهادت رسید.

مسنله‌ای نیست؛ ولی این‌که برای عده‌ای باشد و برای دیگران نباشد، درد بزرگی است!
■ **اگر خاطراتی از دفاع مقدس دارید، بیان بفرمایید.**

■ ما طبق روال که دفتر تبلیغات اعزام می‌کرد، چهار پنج بار گاهی به جنوب و گاهی به غرب اعزام شدیم. بنده ۱۰ سال درس خارج آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی می‌رفتم. یک روزی ایشان اعلام کرد که من فردا می‌خواهم به جبهه بروم، هرکسی آمادگی دارد با ما بیاید. ۵۰–۴۰ نفر شدید و به طرف کرمانشاه رفتیم. ما آن‌جا بر شهید آیت‌الله اشرفی اصفهانی وارد شدیم و آن شب میهمان ایشان بودیم. ما ۵۰ تا روحانی در اتاقی داشتیم استراحت می‌کردیم که یک مسئول سازمانی آمد و گفت: ما چند تا روحانی برای ارتش می‌خواهیم، چه کسی حاضر است به ارتش برود؟ از بین ۵۰ نفر، ۴ نفر دست بالا کردیم. آن زمان فضای خاصی علیه ارتش بود. اتفاقاً آن چهار پنج باری که توفیق پیدا کردم و به جبهه رفتم، در ارتش بودم. در منطقه بین مهاباد و سردشت پادگانی کنار روستای کیتکه بود که به‌دلیل نام روستا نام پادگان را هم «کیتس که» گذاشته بودند.

آن‌جا نماز جماعت می‌خواندیم و صحبت می‌کردیم. شب‌های زمستان علاوه بر سخنرانی‌ها و نشست‌ها بعداز نماز ظهر و شب، جلسات و نشست‌های خصوصی با افسران جوان داشتیم که مطالبی که نمی‌شد عمومی مطرح کرد، مطرح می‌کردند و ما جواب می‌دادیم.

یک روز ساعت ۲ بعداز ظهر اعلام کردند، سیدمهدی هاشمی را دستگیر کردند. شب که در یکی از سنگرها این افسران جوان بودیم، از من سؤال کردند: این سیدمهدی هاشمی کیست که امروز اعلام کردند، دستگیر شده است؟ شما این فرد را می‌شناسید؟ گفتم: کاملاً؛ ما با هم درس آقای منتظری می‌رفتیم. گفتمند: مگر ایشان مگر خونند است؟ گفتم: بله، گفتمند: مگر خونند هم خانن از کار درمی‌آید؟ گفتم: خدا نکند! خونند خانن از کار در بیاید که اگر چنین شد، دزد با چراغ می‌شود.

■ **درباره سفرهای خارجی و تبلیغات خارج از کشور خود مطالبی را بیان کنید.**

■ یک بار از طرف سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ما را به مالزی فرستادند. آن‌جا برای دانشجویان، اعضای سفارت و کارمندان رایزنی فرهنگی صحبت می‌کردیم. سال بعد، از طرف همین سازمان برای تبلیغ به بلغارستان رفتم. سال بعد از آن به‌دلیل تشرف به حج، جایی نرفتم، ولی سال بعد از آن؛ یعنی سال گذشته به ایتالیا اعزام شدم و ایام محرم امسال را یونان بودم.

ایتالیا که بودم، مدرسه بزرگی بود و وزیرمبن این مدرسه را حسینیه کرده بودند و از اطراف و اکناف جوان‌های دانشجو برای گوش دادن به سخنرانی می‌آمدند.

امسال که یونان بودم، اعلام کردند که تازه دو سال است که دولت یونان اجازه راهپیمایی به مسلمانان پاکستانی، افغانستانی، فلسطین به ایرانی در ایام عاشورا داده

رسول خدا ﷺ فرمودند: خدای متعال می‌فرماید: ولایت علی ^{علیه السلام} دژ و پناهگاه استوار من است و هرکس به این دژ و پناهگاه استوار من درآید، از عذاب من ایمن خواهد بود. (جواهرالسننیه شیخ حرعاملی/ص/۲۶۷)

هم‌چنین فرمودند: «من زار علیاً بعد وفاته فله الجنة» هرکس پس از، از دنیا رفتن علی ^{علیه السلام} به زیارت او (مرقد مطهرش) برود پاداشش بهشت خواهد بود.

(جامع‌الخبار/ص/۲۲)

هم‌چنین آن حضرت فرمودند: «من مانند خورشید هستم و علی ^{علیه السلام} بسان ماه و اهل بیتم مانند ستارگان درخشان، به هر یک از ایشان که اقتدا کنید، رهنمون خواهید شد. (عوالی اللئالی/ج/۴/ص/۸)

فرمایشات امیرالمؤمنین علی ^{علیه السلام} در نهج‌البلاغه باید همواره مورد توجه ما باشد. آن حضرت در پنج سالی که در مصدر حکومت بودند، نمونه واضح و کاملی را از حکومت اسلامی عرضه کردند. نامه‌ها و خطبه‌های ایشان که توسط عالم بزرگوار مرحوم سیدرضی در سال ۴۰۰ هجری قمری یعنی حدود ۱۰۴۰ سال پیش در قالب کتاب نهج‌البلاغه گردآوری شده است، راهنمای بسیار ارزشمند و گهرباری برای همه رهپویان طریق حق و حقیقت و عدالت‌گستران جامعه است.

نامه امیرالمؤمنین علی ^{علیه السلام} به مالک اشتر و یا نامه‌هایی که به دیگر کارگزاران حکومت اسلامی صادر فرمودند در نكوهش از سوء استفاده از بیت‌المال و یا لزوم برخورد قاطع با خیانتکاران و نکوهش کارگزاران خیانتکار و یا ضرورت ساده‌زیستی کارگزاران در نظام اسلامی و یا مسئولیت فرمانداران در بسط اخلاق و عدالت اجتماعی همگی موضوعاتی هستند که نیاز مبرم امروز جوامع اسلامی است و امیدواریم، مناسبت یک‌هزارو چهارصدمین سال شهادت آن امام‌المتقین و یعسوب‌الدین والایمان و حجةالله‌البالغه انگیزه‌ای شود تا به مطالعه و درک هرچه بیشتر فرمایشات آن حضرت و ائمه هدی ^{علیهم السلام} بپردازیم و عملاً دستورات آن‌ها را در زندگی خود و اجتماع پیاده کنیم.

السلام علیک یا امین الله فی أرضه، و حجتہ علی عبادہ، السلام علیک یا امیرالمؤمنین

حسین نوری همدانی- ۱۳۹۸/۰۳/۰۳

آیت‌الله‌العظمی سبحانی

زاده کعبه و شهید محراب پس از چهارده قرن

بسم الله الرحمن الرحيم

امیرمؤمنان، سرور مسلمانان، پایان‌بخش اوصیا، نخستین مؤمن به رسالت خاتم پیامبران ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، باوقف‌ترین شخص به پیمان‌های الهی و داناترین فرد به احکام الهی و قضایا، باب علم نبی اکرم ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، پرچم هدایت، منبع نور، پاک‌کننده کعبه از بت و بت‌پرستی، بی‌پروا در اجرای احکام الهی و شهید در خانه خدا در حال نماز است.

امیرمؤمنان علی ^{علیه السلام}، در کعبه معظمه دیده به جهان گشود و در محراب مسجد کوفه جام شهادت نوشید و به لقاءالله پیوست؛ «نازم به حسن مطلع و حسن ختام او».

میسر نکرده به کس این سعادت به کعبه ولادت به مسجد شهادت در ماه مبارک سال جاری (۱۴۰۰)، درست ۱۴ قرن از شهادت این پیشوای بزرگ می‌گذرد. شایسته است، در لیالی و ایام متبرکه قدر که همزمان با شهادت آن بزرگوار است، یادواره ویژه‌ای برگزار گردد.

در معرفی مقام منبع امیرمؤمنان ^{علیه السلام}، رساله‌ها، کتاب‌ها و موسوعه‌هایی به‌وسیله محققان اسلامی نوشته شده است، حتی گروهی از نویسندگان مسیحی، شایسته‌ترین تحقیقات را در زندگی آن‌حضرت انجام داده‌اند و همگی در حد توان کوشیده‌اند که بخشی از زندگانی آن ولی‌الله ^{علیه السلام} را ترسیم کنند و نکته‌هایی در مورد شناسایی فضایل و مناقب، و خدمات ارزنده و بی‌نظیر آن‌حضرت از دوران کودکی تا لحظه مرگ، تشکیل دهند و همگی معترفند که به ساحل این دریای فضیلت نمی‌توان رسید.

القاب آن‌حضرت که در روایات وارد شده، می‌تواند بیانگر گوشه‌ای از مقامات معنوی آن امام همام باشد.

• ویژگی‌های آن‌حضرت در احادیث اهل سنت

۱. او امیرمؤمنان، سرور مسلمانان، پایان‌بخش اوصیا، نخستین مؤمن به رسالت خاتم پیامبران ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، باوقف‌ترین شخص به پیمان‌های الهی و داناترین فرد به احکام الهی و قضایا، باب علم نبی اکرم ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، پرچم هدایت، منبع نور،

فضیلت‌های علی ابن ابی‌طالب ^{علیه السلام} را بنویسد، مادامی که از این نوشته اثری باقی باشد، فرشتگان برای او از درگاه الهی آموزش می‌طلبند، و هرکس هنگام بیان فضیلتی از این فضیلت‌ها به آن‌ها گوش سپارد، خدای متعال جملگی گناهانی را که از طریق شنیدن در کارنامه اعمالش ثبت شده، می‌آمرزد و هر کس به نوشته‌ای در باب فضیلت‌های علی ^{علیه السلام} نظر کند، خدای متعال جملگی گناهانی که از طریق دیدن در کارنامه اعمالش ثبت شده بیامرزد و ببخشد.

آیات فراوانی توسط مفسرین بزرگ عامه و خاصه در شأن حضرت امام علی ^{علیه السلام} تفسیر شده است به‌طوری که بسیاری از علمای اهل سنت مانند ابن‌عساکر، ابن‌حجر، سیوطی، خطیب بغدادی، گنجی شافعی و دیگران از ابن‌عباس روایت کرده‌اند که گفته است: «نزلت فی علی ثلاث مائة آیه» یعنی سیصد آیه از قرآن کریم در شأن حضرت امام علی ^{علیه السلام} نازل شده است و در جایی دیگر از ابن‌عباس از پیامبراکرم ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} نقل شده است که آن حضرت فرمودند: «ما انزل آیه فیها یا ایها الذین آمنوا و علی رأسها و امیرها» یعنی هر آیه‌ای که در آن «یا ایها الذین آمنوا» آمده است، حضرت علی ^{علیه السلام} را در رأس آن و امیرآن قرار داده است.

امام صادق ^{علیه السلام} فرمودند: آن‌گاه که پیغمبر خدا ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در حجة‌الوداع به مکه رفته بودند در مسیر یازگشت جبرئیل بر آن حضرت نازل شده و خطاب به آن حضرت عرض می‌کند: خدای متعال می‌فرماید: «ای رسول ما، ابلاغ کن آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل گشته که اگر این کار را نکنی، رسالتت را به انجام نرسانده‌ای و خدا تو را از گزند مردم در امان نگه می‌دارد، پس چون حضرت این دستور پروردگار را شنید فرمان توقف دادند و منبری از زین شتران فراهم ساختند و آن حضرت بر بالای منبر رفتند و علی‌ابن ابی‌طالب ^{علیه السلام} را نیز همراه خود بالای منبر بردند و خطبه‌ای بلیغ و مفصل در بیان فضایل و مناقب امیرالمؤمنین ^{علیه السلام} ایراد فرمودند که به خطبه غدیر مشهور است و حدیث غدیر در منابع اهل سنت مکرر آمده است و حدیث متواتر محسوب می‌شود.

آری نبی مکرم اسلام ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در روز غدیر با صدای رسا امیرالمؤمنین علی ^{علیه السلام} را به جانشینی خود منصوب فرمودند: «الا من كنت مولاه فهذا علی مولا، اللهم وال من والاه، وعاد من عاده، وانصر من نصره، واخذل من خذله» یعنی بهوش باشید هرکس را که من مولای او هستم پس این علی هم مولای اوست، خدایا دوست بدار هرآن‌کس که او را دوست دارد و دشمن بدار هرآن‌کس که او را دشمن می‌دازد، و یاری کن هرکس که او را یاری کند و خوار و ذلیل کن هرکس که او را خوار و ذلیل می‌شمرد (بحارالانوار مجلسی/ ج/۳۷/ص/۱۶۵)

جابر ابن عبدالله انصاری از پیامبر اکرم ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} نقل می‌کند که آن حضرت فرمودند: جایگاه علی ^{علیه السلام} نسبت به من مانند جایگاه هارون نسبت به موسی ^{علیه السلام} است، و فرمودند: علی ^{علیه السلام} از من است و من از او هستم و علی ^{علیه السلام} نسبت به من مانند جان من است، اطاعت کردن از او مانند اطاعت کردن از من و نافرمانی از او مانند نافرمانی از من است، و باز فرمودند: پیکار با علی ^{علیه السلام} مانند پیکار با خداست و صلح و آشتی با علی ^{علیه السلام} مانند صلح و آشتی با خداست، دوست علی دوست خداست و دشمن علی ^{علیه السلام} دشمن خداست، علی ^{علیه السلام} حجت الهی و جانشین پروردگار در میان بندگانش است، دوستی ورزیدن با علی ^{علیه السلام} نشانه ایمان و کینه‌ورزی با علی ^{علیه السلام} نشانه کفر است، آنان که در حزب و گروه علی ^{علیه السلام} هستند، قطعاً در گروه و حزب خدا قرار دارند و آنان‌که در حزب و دسته دشمنان علی ^{علیه السلام} هستند، حقیقتاً در حزب و گروه شیطان قرار دارند، علی ^{علیه السلام} همواره با حق است و حق نیز همواره همراه علی ^{علیه السلام} است و آن‌ها هرگز از هم جدایی نمی‌پذیرند تا در حوض کوثر بر من درآیند.

هم‌چنین فرمودند: «علی ^{علیه السلام} تقسیم‌کننده بهشت و دوزخ است و هرکس از علی ^{علیه السلام} خود را جدا کند در واقع خود را از من جدا کرده و هر که خود را از من جدا کند، در واقع از خدای عزوجل جدا کرده است و تأکید فرمودند: شیعیان علی ^{علیه السلام} همان رستگاران روز قیامت هستند (خصال شیخ صدوق، ج/۲، ص/۲۹۶) انس بن مالک از رسول خدا ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} نقل کرده که آن حضرت فرمودند: اگر جملگی مردم بر پذیرش محبت علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه السلام} یک‌دل و یک‌رای می‌گردیدند، خدای عزوجل هرگز آتش دوزخ را نمی‌آفرید و نیز فرمودند: خدای متعال از روشنائی رخسار علی ^{علیه السلام} هفتاد هزار فرشته آفریده است که برای او و دوست‌دارانش تا روز قیامت از درگاه الهی آموزش می‌طلبند. (بحارالانوار ج/۳۹/ص/۲۴۸ و ج/۱۳/ص/۳۲۰)



فرمایشات امیرالمؤمنین علی ^{علیه السلام} در نهج‌البلاغه باید همواره مورد توجه ما باشد. آن حضرت در پنج سالی که در مصدر حکومت بودند، نمونه واضح و کاملی را از حکومت اسلامی عرضه کردند، نامه‌ها و خطبه‌های ایشان که توسط عالم بزرگوار مرحوم سیدرضی در سال ۴۰۰ هجری قمری یعنی حدود ۱۰۴۰ سال پیش در قالب کتاب نهج‌البلاغه گردآوری شده است، راهنمای بسیار ارزشند و گهرباری برای همه رهپویان طریق حق و حقیقت و عدالت‌گستران جامعه است.

نهج‌البلاغه به سبک تفسیرنمونه بنویسیم و تمام آن را جمله به جمله تفسیر کنیم و مسایل روز و نکته‌های تاریخی و اخلاقی و علمی را بر آن بیفزاییم و فکر کردیم از شروع دیگری که بر نهج‌البلاغه نوشته شده باید کمک گرفت. بررسی کردیم دیدیم متأسفانه بیش از ده شرح تا حدودی قابل قبول بر نهج‌البلاغه نوشته نشده است در حالی که بیش از هزار تفسیر بر قرآن نوشته شده است.

آن‌گاه به مظلومیت نهج‌البلاغه بی‌بردم و سرانجام سال‌ها زحمت کشیدیم و دوره کامل آن را در بیست جلد آماده و منتشر ساختیم.
بیباید دست به‌دست هم دهیم و نهج‌البلاغه را از مظلومیت درآوریم و نهضتی درباره آشنایی با نهج‌البلاغه در جامعه اسلامی به‌وجود آوریم. در کتاب‌های درسی، دبستان‌ها و دبیرستان‌ها و دانشگاه‌ها، نکات آموزنده‌ای از آن مطرح شود. بخش‌های بیدار کننده در صدا و سیما و رسانه‌ها منتشر شود. محققان حوزوی و غیر حوزوی در بحث‌های خود به ذکر نکته‌های مهمی از نهج‌البلاغه بپردازند. در حوزه‌های علمیه درس نهج‌البلاغه رسمی شود.

این همایش با شکوه هرگاه بتواند زمینه خوبی برای گسترش آشنایی با نهج‌البلاغه در جامعه فعلی ما که شدیداً به آن نیازمند است فراهم سازد، خدمت بزرگی کرده است.

نباید استفاده از این گنجینه عظیم به عربی‌زبان‌ها و فارسی‌زبان‌ها محدود شود، بلکه بتوانیم بخش‌های حساسی از آن را به زبان‌های مختلف دیگر ترجمه کنیم و نشر دهیم. امیدوارم در این کار مهم موفق باشید.

در پایان بار دیگر از زحماتی که بنیان‌گذاران عزیز برای تشکیل این همایش کوشیده‌اند بسیار سپاس‌گزار می‌کنم و امیدوارم همه آن‌ها و شما و ما در سایه کلمات مولی‌المومحدین زندگی قرین با سعادت و حسن عاقبت داشته باشیم.

والسلام علیکم ورحمةالله /ناصر مکارم شیرازی

• آیت‌الله‌العظمی نوری همدانی

عمل به نامه‌های امیرالمؤمنین علی ^{علیه السلام} به مالک و دیگر کارگزاران، نیاز مبرم امروز جوامع اسلامی است

بسم الله الرحمن الرحيم

«یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک وإن لم تفعل فما بلغت رسالته والله یعصمک من الناس» (مانده/۶۷)

فرارسیدن یک‌هزار و چهارصدمین سال شهادت عمودالدین، سیدالوصیین امیرالمؤمنین علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه السلام} فرصتی است برای بازگویی فضایل و مناقب آن حضرت، گرچه شناخت کامل و جامع هیچ‌گاه میسر نیست چنان‌که پیامبر اکرم ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} فرمودند: «یا علی ما عرف الله حق معرفته غیری و غیرک و ما عرفک حق معرفتک غیر الله وغیری» ای علی، کسی خدا را شناخت به حقیقت معرفتش جزء من وتو، و کسی تو را شناخت آن‌گونه که حق معرفت توست جزء خدا و من. (مناقب ابن‌نهرآندوب/ ج/۳/ص/۲۶۸)

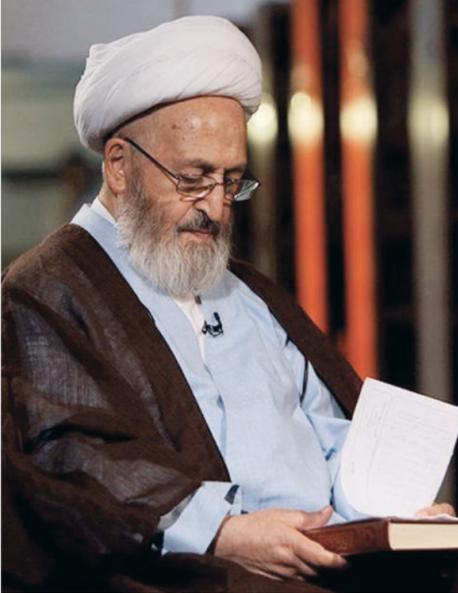
و در فرازی دیگر فرموده است «یا علی لا یعرف الله تعالی الا انا و انت و لا یعرفنی الا الله و انت و لا یعرفک الا الله و انا»

ای علی، کسی خدا را نشناخت جز خدا و من، و توو کسی مرا نشناخت جزه خدا و توو کسی تو را نشناخت جز خدا و من. (روضة‌المتقین، محمد تقی مجلسی، ج/۱۳، ص/۲۷۳)

حال گرچه شناخت واقعی آن حضرت ممکن نیست و در بیان نوزانی پیامبراکرم ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} هم آمده است: «إن الله تبارک وتعالی جعل لأخی علی بن أبی طالب فضایل لا یحصی عددها غیره فمن ذکر فضیلة من فضایله مقرأ بها غفر الله له ما تقدم من ذنبه و ما تأخر و لو وافی القیامة بذنوب الثقلین و من کتب فضیلة من فضایل علی بن أبی طالب ^{علیه السلام} لم تزل الملائكة تستغفر له ما بقی لتلك الکتابة رسم» و من استمع الی فضیلة من فضایله غفر الله له الذنوب التی اکتسبها بالاستماع و من نظر الی کتابة فی فضایله غفر الله له الذنوب التی اکتسبها بالنظ (الامالی شیخ صدق /ص/۱۳۸)

رسول مکرم اسلام ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} فرمودند: حقیقتاً خدای تبارک و تعالی برای برادرم علی‌بن ابی‌طالب ^{علیه السلام} چنان فضیلت‌هایی قرار داده که شماره آن‌ها را خود پروردگار می‌تواند احصا فرماید، پس هرکس یک فضیلت از این فضیلت‌ها را بر زبان جاری سازد، در حالی‌که در دل به آن‌ها اقرار دارد، خدای متعال نیز جملگی گناهان گذشته و آینده او را بیامرزد، هرچند در روز قیامت همه گناهان جن و انس در کارنامه‌اش ثبت باشد، و هرکس یک فضیلت از

• ویژه‌نامه خورشید عدالت



در معرفی مقام منبع امیرمؤمنان ^{علیه السلام}، رساله‌ها، کتاب‌ها

و موسوعه‌هایی به‌وسیله محققان اسلامی نوشته شده است

حتی گروهی از نویسندگان مسیحی، شایسته‌ترین تحقیقات را

در زندگی آن حضرت انجام داده‌اند و همگی در حد توان کوشیده‌اند

که بخشی از زندگانی آن ولی‌الله ^{علیه السلام} را ترسیم کنند و نکته‌هایی

در مورد شناسایی فضایل و مناقب، و خدمات ارزنده و بی‌نظیر

آن‌حضرت از دوران کودکی تا لحظه مرگ، تشکیل دهند

و همگی معترفند که به ساحل این دریای فضیلت نمی‌توان رسید.

پاک‌کننده کعبه از بت و بت‌پرستی، بی‌پروا در اجرای احکام الهی و شهید در خانه خدا در حال نماز است.^(۱)

• عناصر سازنده شخصیت او

شخصیت هر انسانی ـ بر اساس آن‌چه روان‌شناسان می‌گویند، به سه عامل مهم برمی‌گردد که هر کدام تأثیر فراوانی در شکل‌گیری شخصیت انسان دارند. این سه عامل عبارتند از: وراثت، فرهنگ و محیط زندگی. امام علی ^{علیه السلام} به‌شبهه بشری از این قاعده مستثنی نیست و ما فقط به بیان ضلع نخست (وراثت) بسنده می‌کنیم و از بیان دوضلع دیگر به‌خاطر ضیق مجال صرف‌نظرمی‌نمایم.

پدر بزرگوار آن‌حضرت، ابوطالب معروف به سیدالاباطح، سرور مکیان و پیشوای هاشمیان، شخصیتی است که سرپرستی، پیامبر خدا ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} را بیش از چهل سال برعهده داشت و در حفاظت و نشر آموزه‌های توحید، نهایت جان‌فشانی و فداکاری را انجام داد و سرودهای او در ستایش از پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} و رسالت او، حاکی از ایمان عمیق او به رسالت برادرزاده خود بود که به یک بیت بسنده می‌شود:

لیعلم خیبا! الناس ان محمداً نبی کموسی حطأ فی الکئب

بهترین مردم بدانند که محمد ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}، پیامبری مانند موسی و مسیح‌بن مریم ^{علیه السلام} است.

اما مادرش فاطمه دختر اسد فرزند هاشم است، این بانوقبل از بعثت پیامبر، پیروابین ابراهیم ^{علیه السلام} بود. در هنگام درد زایمان به مسجدالحرام آمد و خود را به دیوار کعبه چسبانید و از خدا خواست که تولد این فرزند را که در شکم دارد، آسان سازد. در این لحظه مادر علی ^{علیه السلام}، اعجازآسا وارد کعبه شد و وضع حمل پایان یافت و فرزند فاطمه لقب ولید الکعبه یافت.

• زندگی علی ^{علیه السلام} در خانه رسول خدا ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم}

پیامبر خدا ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} به‌خاطر رویداد قحطی، علی ^{علیه السلام} را به خانه خود برد، و تربیت او را برعهده گرفت و خود حضرت، به این بخش از زندگی خود در خطبه قاصعه چنین اشاره می‌کند:

«شما قطعاً از جایگاه بسیار نزدیک و مقام ویژه من نزد رسول خدا آگاه نیستید. او مرا در دامان خویش می‌نشاناد؛ در حالی که کودکی بودم، مرا در آغوش می‌گرفت و در بستر خویش می‌خواباند و بدنش را به بدنم می‌چسبانید و بوی خوشش را به مشامم می‌رساند و غذا را لقمه لقمه در دهانم می‌گذاشت.»

• امام علی ^{علیه السلام} در غار حرا

عنایت پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} برای پرورش امام ادامه داشت تا آن‌جا که امام علی ^{علیه السلام} را به همراه خود به غار حرا می‌برد. خود آن‌حضرت، این بخش از زندگی خود را چنین بیان می‌کند: «پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} هر سال چند ماهی در غار حرا به سرمی‌برد. تنها من او را می‌دیدم و کسی جز من او را نمی‌دید. من صدای شیطان به‌هنگام نزول وحی بر پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} را شنیدم. عرض کردم: ای رسول خدا ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} این ناله چیست؟ فرمود: این شیطان است که از پرستیدنش ناامید گشت. سپس فرمود: «تو می‌شنوی آن‌چه من می‌شنوم و می‌بینی آن‌چه را که من می‌بینم؛ جز این که تو پیامبر نیستی و جانشین من می‌باشی.»

در آغاز بعثت پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} امام علی ^{علیه السلام} نوجوانی است که از نظر مقامات معنوی به جایی رسیده بود که سیمای فرشتگان را می‌دید و صداهای برزخی را می‌شنید و به مقامی رسید که پیامبر ^{صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم} در حق او فرمود: «إلاّ أنک لمتّ پیئبئ، ولکنک لوزیر و إنک لعلی خَیْر.»^(۲)

سخن درباره مقامات معنوی و جهاد مستمر او در راه خدا، زهد و پیراستگی او، آگاهی او از معارف و احکام خدا، تربیت انسان‌های والا، نبرد با پیمان‌شکنان و... در این مقال نمی‌گنجد و فقط در این مکان، از کلیه شخصیت‌هایی که این فضای روحانی را به‌وجود آورده‌اند، سپاسگزاری می‌شود و امید آن دارد که نگارنده با این نوشته کوتاه در عباد شیفتگان یوسف زمان محسوب شود و شاید مشمول الطاف بیکرانش گردد.

جعفر سبحانی- ۱۳۹۲/۰۲/۲۳

• پی‌نوشت‌ها

۱. در مورد این القاب به مسند احمد/ج/۱/ص/۳۳ و ج/۵/ص/۱۸۳،۱۸۲ و حلیه‌الأولیاء، ج/۱/ص/۶۸،۶۲ مراجعه شود.

۲. شرح نهج‌البلاغه/ج/۱۳/ص/۲۱۰



۸. امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام در یکی از نامه‌هایی که برای معاویه مرقوم فرمودند، مقداری از فضایل اهل‌بیت را تشریح کرده، می‌فرماید: اگر خداوند در قرآن از خودستایی و بر شمردن فضایل خود نهی فرموده بود، «فلا تزکوا انفسکم»^(۳) من گوشه‌ای از فضایل خانوادگی خود را برمی‌شمرم، «و لولا ما نهی الله عنه من تزکیة المرء نفسه، لذکرنا ذکر فضائل جمه». این کار شمارش نعمت‌های خدا در کمال خضوع و بندگی است. سپس می‌فرماید: «فانا صنائع ربنا ولناس بعد صنائع لنا»^(۴) ما ساخته شده و دست پرورده خدای خویش هستیم، ما ساخته رویبیت حقیم و دیگران دست پرورده ما هستند. ما علوم الهی را از مکتب «الله» آموختیم و دیگران از ما فرا گرفتند. ما در کنار سفره وحی نشستیم و سایرین در کنار سفره ارشاد ما. ما در آموختن علوم و معارف نیازی به غیر خدا نداریم، ولی دیگران نیازمند ما هستند که مجرای فیض خداونیم.

این جمله بلند در یکی از تویعات حضرت بقیةالله (ارواحنا فداه) نیز آمده است: «نحن صنائع ربنا والناس بعد صنائعنا»^(۵)

شاگرد مستقیم خدای عزیز حکیم خود نیز حکیم است. رسول اکرم صلی الله علیه و آله که قرآن حکیم را از نزد خدای حکیم آموخت، حکیم است و علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام نیز که طبق آیه مباهله (آل عمران/۶۱) به منزله جان رسول اکرم صلی الله علیه و آله و مانند نفس مطهر او محسوب شده، از همین مکتب و علم لدنی برخوردار است، و چشمه‌های حکمت از جان او می‌جوشد.

اگر کسی چهل روز «خالصا لوجه الله» زندگی کند و تمام برنامه چهل روزش برای رضای خدا باشد. مضمون «قل ان صلاتی و نسکی و محیای و مماتی لله رب العالمین»^(۶) در جانش تجلی کند، چشمه‌های حکمت از جانش می‌جوشد و بر زبانش جاری می‌شود، قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من اخلص الله اربعین یوما فاجر الله ینایع الحکمة من قلبه علی لسانه»^(۷)

علی علیه السلام که تمام عمر را «خالصا لوجه الله» زندگی کرد، در حکمت نظری به جایی رسید که فرمود: آن‌چه از هم اکنون تا قیامت رخ می‌دهد، از من نمی‌پرسید، جز آن‌که شما را آگاه می‌کنم، «لتسألونی عن شیء فیما بینکم و بین الساعة... الا انباتکم»^(۸).

این تحدی غیر از جمله‌ای است که فرمود: «ایها الناس سلونی قبل ان تفقدونی فلانا بطرق السماء اعلم متی بطرق الارض»^(۹) پیش از آن‌که مرا در بین خود نیابید، آن‌چه می‌خواهید پرسید که من به راه‌های آسمان از راه‌های زمین آشناترم.

چنین انسانی که برپام طبیعت مشرف است و به جهانی راه یافته که بر طبیعت مسلط است، در حکمت نظری و عملی حکیمی کامل، نامور و مثاله خواهد بود.

۹. در خطبه ۱۹۲ نهج البلاغه می‌فرماید: من جزو گروهی هستم که در راه خدا از سرزنش ملامت‌کنندگان باز نمی‌ایستند، سیمای آنان سیمای صدیقان است، یعنی کسانی که هم در مقام اعتقاد صادقند و هم در مقام اخلاق و عمل. صدق در این سه قسم برایشان ملکه و راسخ شده است، «و انی لمن قوم لا تأخذهم فی الله لومة لائم سیمما هم سیمما الصدیقین»، و گفتارشان گفتار افراد نیک است، «و کلامهم کلام الابرار». شب را زنده و آباد نگه می‌دارند، «عمار اللیل». شب آنان معمور است، نه بایر و مخروب، شب را به خواب نمی‌گذرانند تا مخروب و ویران باشد، آن کس که در خواب است، شب زنده و آباد ندارد:

گرچه شام و سحر شرکه که ضایع نگشت قطره باران ما گوهر یکدانه شد زنده بودن شب و آباد کردن آن موجب روشن شدن روز و آبادی آن می‌شود، «ومنار النهار»

روشنی روز از قبال افراد روشن ضمیر است، طبیعت را آفتاب روشن می‌نماید، ولی جامعه بشری را اولیای الهی روشن می‌کنند، آنان روز را نور می‌دهند و شب را آباد و زنده می‌گردانند و زمان را فروغ می‌بخشند و زمین را برکت می‌دهند.

به ریسمان قرآن چنگ می‌زنند، «متمسکون بحبل القرآن»، سنت‌های خداوند و رسول را احیا می‌کنند و مقررات الهی را زنده نگه می‌دارند، «یحیون سنن الله و سنن رسوله»، اهل تکبر و برتری طلبی و تجاورگری و فساد نیستند،

«لا یتکبرون و لا یعلون و لا یفسدون».

آن‌گاه در پایان خطبه می‌فرماید: دل‌های آنان در بهشت است و بدن‌هایشان در کار و کوشش، «قلوبهم فی الجنان و اجساد هم فی العمل»^(۱۰) جانشان در آن عالم است و جسم‌شان در این عالم، یعنی هم زمان با این‌که جسم آن‌ها

۲. حضرت علی علیه السلام در خطبه سوم که به خطبه «ششقیه» معروف است، می‌فرماید: «ینحدر عتی السیل ولایرفی الی الطیر»، من آن کوه بلندم که سیل علوم از من سرازیر می‌گردد! چون هر کوهی سیل خیز نیست و سیل فقط از کوه بلند و مرتفع برمی‌خیزد و هیچ پروازکننده‌ای به مقام اوچ گرفته من پر نمی‌کشد. فکر اندیشمند عادی به مقام والای علی‌بن ابی‌طالب راه نمی‌یابد و تحمل هضم و فراگیری علوم سیل‌گونه این حکیم الهی مقدور افراد عادی نیست، زیرا در برابر سیل نمی‌توان ایستاد، بلکه باید از کناره‌های آن به قدر توان بهره برد. آن حضرت در خطبه ۱۸۹ در بیان مقام علمی خود می‌فرماید: «ایها الناس! سلونی قبل ان تفقدونی فلانا بطرف السماء اعلم متی بطرق الارض».

در این کلام آن حضرت برای خود دو نشانه قایل است، چنان‌که جهان نیز دو نشانه دارد، عالم ظاهر و عالم باطن، عالم غیب و عالم شهادت. ایشان می‌فرماید: جنبه غیبی من قوی‌تر از جنبه شهادت من است! آگاهی من به علوم آسمانی بیش از آگاهی من به علوم زمینی است! زیرا غیب قوی‌تر از شهادت است و با خیران از غیب عالم قوی‌تر از مرتبطان به عالم شهادت هستند.

۴. در خطبه ۱۷۵ می‌فرماید: «والله لوشنت ان اخبر کل رجل منکم بمخرجه و مولجه و جمیع شانه لفعلت! و لکن اخاف ان تکفروا فی رسول الله صلی الله علیه و آله و الا و انی مفضیه الی الخاضه ممتن یؤمن ذلک منه».

سوگند به خدا، اگر بخواهم جریان زندگی شما، آغاز و انجام آن، و ورود و خروج شما را در کارها تشریح کنم، می‌توانم، چون از گذشته و آینده شما - به اذن خدا - آگاهم، ولی خوف دارم که تاب نیاورید و بگویید: چگونه رسول خدا چنین نفرمود و علی علیه السلام می‌گوید، پس علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله بالاتر است و این مسئله زمینه انحراف فکری شما را فراهم سازد. آگاه باشید که با موالیان مورد اطمینان بعضی از اسرار عالم را در میان می‌گذارم. این نمونه‌ای از احاطه علمی علی علیه السلام به جهان غیب است و جهان غیب بر جهان شهادت احاطه دارد.

۵. در خطبه ۱۵۸ خود را سخنگوی وحی معرفی می‌کند و می‌فرماید: «ذلک القرآن فاستنطقوه و لن ینطق و لکن اخبرکم عنه الا ان فیه علم ما یاتی و الحدیث عن الماضی و دواء دانکم و نظم ما بینکم».

قرآن سخن می‌گوید، شما از قرآن بپرسید، ولی هرگز حرف نمی‌زند، لیکن من سخنگوی قرآنم و شما را از محتوای آن آگاه می‌سازم. آگاه باشید که علم آینده، سخن از گذشته، داری دردها و نظم امور زندگی شما در قرآن است.

۶. در خطبه ۱۰۹ می‌فرماید: ما درخت نبوتیم، درخت نبوت در خاندان ما ریشه دارد و فیض رسالت در این خانواده فرود می‌آید و فرشته‌های خدای متعال با خاندان ما رفت و آمد دارند و قزاقه علم ما هستیم و چشمه‌سار حکمت‌ها ماییم، «نحن شجرة النبوة و محط الرسالة و مختلف الملائكة و معادن العلم و ینایع الحکم».

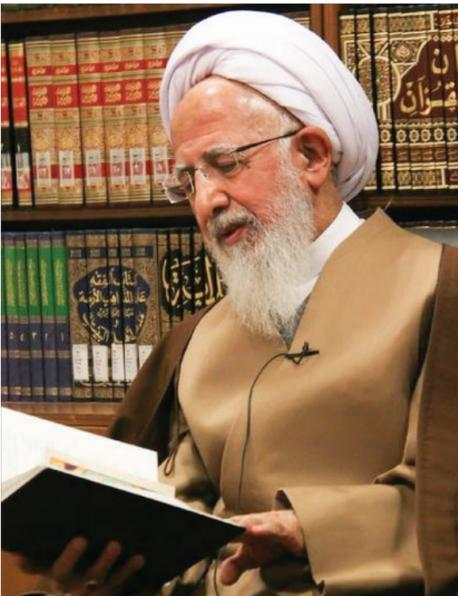
کانون و کان علم و حکمت علی و اولاد علی علیه السلام هستند و همان‌گونه که قرآن کریم در تشریح حکمت گویا و رسا است، امیرمؤمنان علیه السلام نیز که شاگرد بازرین کتاب و قرآن ناطق است، بهترین بیانگر حکمت خواهد بود.

وصفی که خدا برای قرآن بیان فرمود، علی علیه السلام نمونه آن صفت را برای خود تشریح می‌کند، خدا در عظمت قرآن می‌فرماید: «لوانزلنا هذا القرآن علی جبل لرائیه خاشعا متصدعا من خشية الله»، آن قدر این قرآن وزین است که اگر آن را بر کوه نازل کنیم، کوه متلاشی می‌شود.

همان‌گونه که هضم مسایل سنگین برای همه میسر نیست و بسا افرادی را به صداغ و سردرد مبتلا می‌کند، معارف بلند قرآن کوه را به صداغ، تفرق و تلاشی مبتلا می‌کند، و این مثلی است که ممثل را روشن می‌سازد: «و تلک الامثال نضرها للناس»^(۱۱)

امیرمؤمنان علیه السلام نیز پس از درگذشت سهل‌بن حنیف انصاری که از اصحاب دیرینه و شاگردان مکتب مولی‌الموحدين بود، فرمود: اگر کوه بخواهد محبت را هضم کند، متلاشی می‌شود: «لواحبنی جبل لتهافت»^(۱۲) یعنی تحمل محبت، هضم ولایت و معرفت علی علیه السلام مقدور کوه نیست، همان‌گونه که هضم معانی بلند قرآن مقدورش نیست.

۷. در کلمه قصار ۱۸۴ می‌فرماید: «ما شککت فی الحق مذ اریته»، از آن لحظه‌ای که حق را به من نمایانند و حق مشهود من شد، در آن شک نکردم. آری! علی علیه السلام که بر فطرت توحید زاده شده است، «فانی ولدت علی الفطرة»^(۱۳) از لحظه‌ای که حق را به آن حضرت نشان دادند، در آن شک نکرد و تا آخرین‌بیران استوار ماند.



سوگند به خدا، اگر بخواهم جریان زندگی شما، آغاز و انجام آن

و ورود و خروج شما را در کارها تشریح کنم، می‌توانم چون از گذشته و آینده شما - به اذن خدا - آگاهم، ولی خوف دارم

که تاب نیاورید و بگویید: چگونه رسول خدا چنین نفرمود و علی علیه السلام می‌گوید، پس علی علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله بالاتر است و این مسئله

زمینه انحراف فکری شما را فراهم سازد. آگاه باشید که با موالیان مورد اطمینان بعضی از اسرار عالم را در میان می‌گذارم.

این نمونه‌ای از احاطه علمی علی علیه السلام به جهان غیب است و جهان غیب بر جهان شهادت احاطه دارد.

آیت‌الله‌العظمی جوادی آملی

شناخت‌امیرالمؤمنین علیه السلام فریضه الهی است

برای کسانی که خود را «شیعه» حضرت امام علی علیه السلام می‌دانند، کسب شناخت و معرفت نسبت به شخصیت آن امام معصوم علیه السلام یک فریضه است و نباید در انجام آن غفلت روا دارند، که هر نوع قصور و مسامحه در این امر، زیان‌هایی چون از دست دادن فیض شناخت و آگاهی نسبت به کسی را به همراه دارد که حتی بیگانگان در مقام والای او به شگفتی افتادند و سر به خضوع فرود آوردند.

مگر نه این است که «شیعه» یعنی تابع و پیرو؟ و آیا جز این است که تبعیت و پیروی از حضرت مولی‌الموحدين علیه السلام در گرو معرفت نسبت به شخصیت اوست و تا این شناخت و بینش به‌دست نیاید، «پیروی» تحقق عینی نمی‌یابد؟ بنابراین شخصیت‌شناسی امیرمؤمنان علیه السلام برای هر مدعی پیروی از آن پیشوای الهی، ضروری و حیاتی می‌باشد.

راستی چگونه می‌توان در برگرفتن جرمه‌هایی از اقیانوس بیکران شخصیت کسی که جامع صفات متضاد و خصال گوناگون است، تسامح ورزید و در عین حال نامش را بر زبان جاری کرد و خود را محب او نامید؟ برای انجام وظیفه امام‌شناسی، مستحکم‌ترین و راهبردی‌ترین شیوه، گوش جان سپردن به معارف و رهنمودهایی است که آن پیشوای بزرگ درباره خود بر زبان جاری ساخته است، اگر چه معتقدیم آن‌چه حضرت علی علیه السلام درباره خود فرموده، بسیار اندک است.

شناخت مقام والای حضرت علی علیه السلام و شناساندن آن، جز برای امامان معصوم مقدور نیست. از این رو مناسب است برای شناخت آن حضرت به برخی از سخنان خود ایشان تمسک کنیم که نشان‌دهنده اعتلای مقام حکیمانه وی است.

۱. در خطبه ۱۹۲ از نهج البلاغه هنگامی که ظهور اسلام را تشریح می‌کند و رسول اکرم صلی الله علیه و آله را می‌ستاید، می‌فرماید:

رسول اکرم صلی الله علیه و آله مرا در همان اوایل زندگی در دامن خویش می‌پروراند و هر روز بابتی از علم و اخلاق به روی من می‌گشود و مرا به اقتدای آن فرا می‌خواند، «یرفع لی فی کل یوم من اخلاقه علما و یامرنی بالاقتداء به»، و هر سال که مجاور کوه حرا می‌شد و در جوار آن به عبادات می‌پرداخت، من او را می‌دیدم و جز من کسی وی را نمی‌دید، «و لقد کان یجاور فی کل سنة بحراه فاره و لایراه غیری».

در خانه‌ای که اسلام در آن ظهور کرده بود غیر از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و خدیجه علیها السلام کسی نبود و من سومین نفر آن دو بودم. نور وحی و رسالت را می‌دیدم و نسیم نبوت را استشمام می‌کردم، «ولم یجمع بیت واحد یومئذ فی الاسلام غیر رسول الله صلی الله علیه و آله و خدیجه و انا لثلهما. اری نور الوحی و الرسالة و اشم ریح النبوة».

آن شامه غیبی که نسیم غیبی را استشمام می‌کند و در انبیا علیهم السلام وجود داشت، در علی علیه السلام نیز بود. وقتی برادران یوسف از مصر حرکت کردند و پیراهن وی را به همراه خود آوردند، حضرت یعقوب در فاصله چندین فرسنگی علیه السلام با قاطعیت و تأکید فرمود: من نسیم و بوی یوسف را استشمام می‌کنم، «انّی لاجد ریح یوسف لولا ان تفقدون»^(۱)

شامه‌ای که از غیب می‌بوید، شامه‌ای ملکی و مادی نیست، چنان‌که نبوت نیز مربوط به عالم طبیعت و ملک نیست و تنها با حس بویایی ملکوتی می‌توان نبوت را که امری غیبی است، تشخیص داد.

علی علیه السلام نیز می‌فرماید: من هنگام نزول وحی بر پیامبر، صدای ناله شیطان را می‌شنیدم. به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کردم: این ناله و فریاد چیست؟ فرمود: این افسوس شیطان است که فهمید دیگر پرستش نمی‌شود، چون جایی که وحدت و نبوت و رسالت حکومت کند، آن‌جا شیطان عبادت نمی‌شود، «ولقد سمعت رنة الشیطان حین نزل الوحی علیه صلی الله علیه و آله فقلت: یا رسول الله ما هذه الرنة؟ فقال: هذا الشیطان قد ایس من عبادته». آن‌گاه فرمود: ای علی هر چه را من می‌بینم تو نیز می‌بینی و هر چه را من می‌شنوم، تو نیز می‌شنوی، جز آن‌که توبیامیر نیستی، لیکن وزیر من هستی و تو بر پایه خیر استواری: «انک تسمع ما اسمع و تری ما اری الا انک لست ببینی و لکنک لوزیر و انک علی خیر»^(۲)

نکات عمیق که در کلام و عمل امیرالمؤمنین علی علیه السلام وجود دارد

راه‌گشای مشکلات امروز جامعه ماست

جامعه‌ای که دچار کم‌اخلاقی و بی‌اخلاقی شده

در حال دوری از محبت و تهی از معنویت واقعی می‌شود

و پرداختن به معارف علوی می‌تواند بسیار مؤثر باشد.

نیاید اجازه داد که تمسک به سخن و رفتار امام علی علیه السلام

منحصربه‌علمای برخی شیعیان و محبین خاص باشد بلکه باید

در همه شئون زندگی مسلمین جریان داشته باشد.

مشغول عمل است، جان آنان در بهشت منتعم است.

۱۰. در خطبه ۱۹۷ درباره این‌که پیرو راستین وحی بود و لحظه‌ای از مسیر وحی فاصله نگرفت، می‌فرماید: «انّی لم ادر علی الله ولا علی رسوله ساعة قط»، من لحظه‌ای در برابر فرمان خداوند و رهبری‌های رسول اکرم صلی الله علیه و آله نایستاده و آن وارد نکردم، بلکه مطیع محض بودم.

در پایان همین خطبه می‌فرماید: «والذی لا اله الا هو انی لعلی جادة الحق و انهم لعلی مرثة الباطل»، سرگند به خدا من در مسیر حق و در جاده حقیقت هستم و آن‌ها که مخالفند در لغزشگاه باطل قرار دارند.

آن‌چه گذشت، نمونه‌هایی کوتاه از معرفی حضرت علی‌بن ابی‌طالب علیه السلام از زبان خود آن حضرت علیه السلام بود، «آفتاب آمد دلیل آفتاب»، چون شخصیتی مانند ایشان را باید رسول اکرم صلی الله علیه و آله و یا خود او معرفی کند، چنان‌که رسول اکرم صلی الله علیه و آله خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام می‌فرماید: غیر از خدا و من، کسی تو را آن‌گونه که شایسته است، نشناخت، «ما عرفک حق معرفتک غیر الله و غیری»^(۳)

پی‌نوشت‌ها

۱. یوسف/۹۲
۲. نهج البلاغه / خطبه ۱۹۲
۳. حشر/۱۱
۴. نهج البلاغه / حکمت ۱۱۱
۵. همان مدرک / خطبه ۵۷
۶. نجم / ۳۲، خودتان را پاک شمارید.
۷. بحارالانوار / ج ۵۳ / ص ۱۷۸
۸. بحارالانوار / ج ۶۷ / ص ۲۴۹
۹. انعام/ ۱۶۲
۱۰. نهج البلاغه / خطبه ۹۳
۱۱. همان / خطبه ۱۸۹
۱۲. نهج البلاغه / خطبه ۱۹۲
۱۳. بحارالانوار / ج ۳۹ / ص ۸۲

حضرت آیت‌الله علوی گرگانی

جهان‌تشنه معارف علوی است

بسمه تعالی

قال النبی صلی الله علیه و آله: «یا علی ما عرفک الا الله و انا»

از روز ازل که وجود نورانی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به‌دست قدرت لایزال الهی خلق شد، نور ولایت نیز با او بود و در حقیقت یک نور از منشأ انوار الهی تجلی یافته و وجود نبوت و ولایت یک نور می‌باشند.

ایمان و معرفت به ولایت امیرالمؤمنین علی علیه السلام رمز اکمال دین است که در حدیث نورانیت بیان داشته است، آن‌جا که می‌فرماید: «انه لا یستکمل احد الایمان حتی یعرفنی کنه معرفتی بالنورانية فاذا عرفنی بهئذه المعرفة فقد امتحن الله قلبه للایمان و شرح صدره للاسلام و صار عارفا مستبصرأ»

لکن مع الألف مردم در طول قرن‌ها و سال‌ها هیچ‌گاه حق این امام همام را ندانسته و نخواهند دانست و ایشان در تمامی اعصار در غربت بوده و خواهد بود.

گرچه از شهادت این امام نورانی چهارده قرن گذشته است، لکن هنوز جامعه و دنیا نیاز به اقبال به کلمات و رفتار آن حضرت دارد و هنوز عمق حقیقت بیان و رفتار حضرت مکشوف نشده است.

این جانب از تمام علما، خطبا، خیرین، مؤمنین، متدینین و تمامی محبین و شیعیان آن حضرت در تمام عالم می‌خواهم که در این سال که مصادف با «چهاردهمین قرن» از شهادت آن حضرت می‌باشد، با تمام وجود برای گسترش معارف علوی و شناساندن حقیقت ولایت و نورانیت حضرت به عموم مردم تلاش کرده و از هیچ تلاشی دریغ نکنند.

نکات عمیق که در کلام و عمل امیرالمؤمنین علی علیه السلام وجود دارد، راه‌گشای مشکلات امروز جامعه ماست، جامعه‌ای که دچار کم‌اخلاقی و بی‌اخلاقی شده و در حال دوری از محبت و تهی از معنویت واقعی می‌شود و پرداختن به معارف علوی می‌تواند بسیار مؤثر باشد. نباید اجازه داد که تمسک به سخن و رفتار امام علی علیه السلام منحصر به علمای برخی شیعیان و محبین خاص باشد بلکه باید در همه شئون زندگی مسلمین جریان داشته باشد.

در پایان از تمام کسانی که در این مسیر پیش قدم شده و در چهاردهمین قرن شهادت آن امام مظلوم تلاش وافر در راه گسترش معارف علوی دارند تشکر می‌کنم و امیدوارم که خداوند همه ما را در راه کسب معارف اهل‌البیت علیهم السلام موفق بدارد.

۲۶ شعبان المعظم ۱۴۴۰ / اللهم عجل لولیک الفرج
یک هزار و پنجاه و صدمین سال شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام

